



Studying the Requirements of International Human Rights Regarding the Right to Education of Migrant Children

Mahya Saffarinia¹

DOI:

10.30497/fj.2024.245951.1994



Abstract

Children are among the most vulnerable human groups, that it is necessary to provide specific support in accordance with international human rights standards to ensure their growth and development. Among all children, certain individuals are more susceptible to vulnerability due to specific circumstances. Migrant children and all related subcategories, including displaced children, homeless children, refugees, asylum seekers and stateless children are considered among the most vulnerable groups. International human rights standards have articulated various provisions for safeguarding the rights of these groups in various dimensions of life. This study focuses on the examination of the details of the right to education of these children, elucidating the relevant legal requirements that governments and other stakeholders worldwide must be adhered. In line with this focus, studying the general commitments of countries in the field of the right to education has also been conducted. The outcome of this study emphasizes that no country is without its challenges in this regard and introduces the international legal requirements concerning the right to education of the studied group of children. This analysis can be particularly beneficial for policymakers, governmental executives, and non-governmental organizations in our country, which hosts hundreds of thousands of immigrants. Relevant explanations regarding Iran's legal system have also been presented within the main discourse to further facilitate the realization of this important matter.

Keywords: Right to education, migrant children, International Human Rights standards, United Nations, governments commitments.

1. Assistant Professor Department of Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

saffarinia@isu.ac.ir

نگاهی به الزامات موازین بین‌المللی حقوق بشر در زمینه حق بر آموزش کودکان مهاجر

محیا صفاری نیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

Doi: 10.30497/flj.2024.245951.1994

چکیده

کودکان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر انسانی هستند که براساس موازین بین‌المللی حقوق بشر لازم است حمایت‌های خاصی برای آن‌ها تدارک دید تا بتوانند به رشد و شکوفایی لازم برسند. در میان کودکان نیز برخی به جهت وضعیت‌های ویژه در معرض آسیب‌پذیری بیشتر قرار دارند. کودکان مهاجر و همه طیف‌های تابعه آن از کودکان آواره، پناه‌جو، پناهنده، فاقد مکان، بی‌وطن از جمله گروه‌های آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند. موازین بین‌المللی حقوق بشر برای رعایت حقوق این گروه در ابعاد گوناگون زندگی، احکام متنوعی را بیان داشته است. واکاوی جزئیات حق آموزش این گروه از کودکان و تبیین الزامات حقوقی ذی‌ربط که دولت‌ها و دیگر بازیگران در سراسر جهان باید رعایت کنند، محور اصلی بررسی حاضر است. به تبع محور یادشده، مروری بر تعهدات کلی کشورها در حوزه حق بر آموزش نیز انجام پذیرفته است. رهاورد این بررسی، ضمن تأکید بر اینکه هیچ کشوری در این زمینه بدون انواع چالش‌ها نیست، معرفی الزامات حقوقی بین‌المللی درخصوص حق بر آموزش گروه کودکان مورد مطالعه است که می‌تواند برای سیاست‌گذاران و مجریان حاکمیتی و تشکلهای غیردولتی کشور ما در جایگاه جامعه میزبان صدها هزار مهاجر، مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ خصوصاً که برای امکان بیشتر تحقق این مهم، برخی توضیحات درباره نظام حقوقی ایران نیز در خلال بحث اصلی آمده است.

کلیدواژه‌ها: تعهدات دولت‌ها، حق بر آموزش، سازمان ملل، کودکان مهاجر، موازین بین‌المللی حقوق بشر.

مقدمه

در حقوق بین‌الملل بشر حق هر فرد بر آموزش به رسمیت شناخته شده است و دولت‌ها متعهد شده‌اند تا امکان بهره‌مندی تمامی کودکان واقع در قلمرو خود را از این حق فراهم آورند. آموزش، فراتر از روند تدریس و یادگیری رسمی در مدارس است و شامل طیف وسیعی از تجربیات زندگی و فرایندهای یادگیری است که افراد بشر را به‌طور فردی و جمعی قادر می‌سازد شخصیت و مهارت و توانایی‌های خود را توسعه دهند و زندگی رضایت‌بخشی داشته باشند. اهمیت مقوله آموزش و برخورداری از حق بر آموزش از آنجا آشکار می‌شود که این حق پیش‌نیازی بر استیفای دیگر حقوق انسانی تلقی می‌شود؛ به‌طوری که اگر فردی در طول حیات خود، آموزش مناسب دریافت نکند، عملاً نمی‌تواند زندگی مطلوب و درخور کرامت انسانی داشته باشد (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷). این در حالی است که بسیاری از کودکان در سراسر جهان از این حق بشری محروم‌اند.

به گزارش کمیساریای عالی امور پناهندگان^۱، در میانه سال ۲۰۲۳ میلادی ۱۱۰ میلیون انسان در سراسر جهان مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند که ۴۳/۳ میلیون از این جمعیت، زیر سن ۱۸ سال هستند. در میان این افراد و از حدود ۱۵ میلیون کودک در سن مدرسه، با همه تلاش‌ها هنوز ۵۰ درصد از آنان امکان حضور در مدرسه و فراگیری آموزش را ندارند (UNHCR, 2023, p 6)، ۷۵ درصد از افراد مجبور به ترک خانه در اقصی نقاط دنیا در کشورهای با درآمد متوسط یا پایین به سر می‌برند. مسائل فراروی حقوق مهاجران به‌طور عام و کودکان مهاجر به‌طور خاص فقط شامل کشورهای در حال توسعه نمی‌شود، بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز می‌توان موارد متعددی از مشکلات و نارسایی‌ها را شناسایی کرد. یکی از

۱. کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان به‌موجب قطعنامه شماره (V) ۴۲۸ مصوب سال ۱۹۵۰ مجمع عمومی ملل متحد و پس از تدوین اساسنامه این نهاد ایجاد شد. در همین سال مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه شماره ۳۲۵ که متن کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان را دربرداشت، قواعد هنجاری بین‌المللی حوزه پناهندگان را نیز تصویب کرد. کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان از سال ۱۹۵۱ کار خود را آغاز کرد و تاکنون به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تابعه سازمان ملل برای پیگیری مسائل پناهندگان در سراسر جهان فعالیت می‌کند. برای آشنایی بیشتر با این نهاد، نک: نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹، ص ۶۳.

مهم‌ترین حوزه‌های حقوق مهاجران که دربارهٔ کودکان مهاجر نقش حیاتی دارد، حق بر آموزش آنان است. حق بر آموزش یکی از حقوق انسانی است که کودک مهاجر را توانمند می‌سازد و فرصت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر آینده و زندگی توأم با کرامت را برای وی رقم می‌زند. تحقق حق بر آموزش کودکان مهاجر مستلزم رعایت تعهدات و همکاری دولت‌ها، جامعهٔ بین‌المللی و والدین کودکان است. پرسش‌های متعددی در این زمینه قابل طرح است؛ از جمله اینکه آیا موازین بین‌المللی حقوق بشر^۱ اجازهٔ رویکرد متفاوت آموزشی را دربارهٔ کودکان مهاجر در مقایسه با شهروندان آن کشور می‌دهد؟ آیا می‌توان مراکز آموزشی کودکان مهاجر را در برخی نقاط کشور محل اقامت آن‌ها مستقر کرد و آنان را از ورود به دیگر مراکز آموزشی بازداشت؟ آیا می‌توان کمبود منابع و امکانات کشور میزبان را توجیهی برای محدودیت حق بر آموزش کودکان مهاجر دانست؟ به‌منظور پاسخ‌دهی به پرسش‌های مزبور و برخی موارد جنبی، نوشتار حاضر به بررسی موضوع کلی‌تری نیز می‌پردازد که تبیین آن روشن‌گر نکات مختلفی است. اینکه در نظام بین‌المللی حقوق بشر موازین خاصی برای آموزش کودکان مهاجر در نظر گرفته شده است یا به قواعد عام حق بر آموزش همهٔ کودکان محول شده است و در صورت وجود قواعد خاص، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن کدام‌اند، مسئلهٔ اصلی‌ای است که در این نوشتار تجزیه و تحلیل می‌شود. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی متون و منابع و اسناد دست اول بین‌المللی، جزئیات قواعد ذی‌ربط حقوقی بین‌المللی را معرفی و تشریح می‌کند. در پایان نوشتار، با عطف توجه به کشور خودمان، پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران حوزهٔ سیاست‌گذاری و مدیریت و راهبری آموزشی در حوزهٔ حق بر آموزش کودکان مهاجر مطرح می‌شود.

۱. دامنهٔ نظری برخی عناوین محوری حق بر آموزش کودکان مهاجر

پیش از بررسی چهارچوب حقوقی بین‌المللی حمایت از حق بر آموزش کودکان مهاجر، تبیین دامنهٔ نظری برخی عناوین محوری بحث، ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱-۱. مهاجر

در حال حاضر، هیچ تعریف توافق‌شدهٔ بین‌المللی‌ای در خصوص مفهوم مهاجر وجود ندارد.

۱. برای ملاحظهٔ ترجمهٔ فارسی طیف قابل‌توجهی از موازین بین‌المللی حقوق بشر، نک: انصاری، ۱۳۹۵.

عدم وجود تعریفی توافق‌شده، گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد و مهم‌تر اینکه برداشت‌ها و مباحثات عمومی در خصوص موضوع را گاه منحرف می‌کند؛ زیرا به جای اینکه بر مفهومی حقیقی از مهاجرت مبتنی باشد، بر تصور افراد از مهاجرت متمرکز است. در تعریف رسمی سازمان ملل، مهاجر بین‌المللی شخصی است که کشور محل اقامت معمول خود را برای حداقل مدت زمانی تغییر دهد. در این تعریف «مهاجر طولانی‌مدت» شخصی است که به مدت حداقل ۱ سال (۱۲ ماه) کشور مقصد به محل اقامت جدید و مؤثر وی تبدیل شود و «مهاجر کوتاه‌مدت» شخصی است که به مدت حداقل سه ماه و کمتر از یک سال به کشور دیگری غیر از محل زندگی معمول خود منتقل شود؛ به استثناء مواردی که انتقال به آن کشور به قصد تفریح، تعطیلات، دیدار دوستان و نزدیکان، تجارت، معالجه پزشکی یا زیارت مذهبی است. در آمار مهاجرت اعلام‌شده سازمان ملل، هر نوع جابه‌جایی مبتنی بر معیار طول مدت و بدون در نظر گرفتن قصد، «مهاجرت» احتساب شده است.

علاوه بر تعریف یادشده، دیگر سازمان‌های بین‌المللی، مانند سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، تعاریف دیگری نیز مطرح کرده‌اند که مبتنی بر مدت اقامت فرد نیست. به‌ویژه سازمان بین‌المللی مهاجرت، تعریف کلی و موسعی را بیان داشته است که تمامی اشکال مهاجرت را در برمی‌گیرد و پیچیدگی‌های فاقد مکان بودن افراد را که به علل و عوامل مختلف روی می‌دهد، برجسته می‌سازد. در این تعریف «مهاجر هر فردی به دور از مکان اقامت معمولش است که از یک مرز بین‌المللی یا در داخل یک کشور عبور کرده، یا در حال عبور است، بدون در نظر گرفتن: ۱. وضعیت حقوقی فرد، ۲. داوطلبانه یا غیرداوطلبانه بودن جابه‌جایی، ۳. دلایل جابه‌جایی، و ۴. مدت زمان اقامت» (UNESCO, 2018, p 9).

مهاجرت یا داوطلبانه است، یعنی فرد جابه‌جایی را انتخاب می‌کند تا زندگی خود را بهبود بخشد یا غیرداوطلبانه/اجباری است، بدین معنا که فرد مجبور به ترک مکان اقامت خود به دلیل عنصر اجبار می‌شود که شامل تهدید به حیات و زندگی وی ناشی از عوامل طبیعی یا برساخته

1. International Organization for Migration (IOM)

بشر است. روش دیگر بررسی مهاجرت، از دریچه وضعیت حقوقی فرد در مکان جدید اقامتش است. این طبقه‌بندی شامل تفکیک بین مهاجران دارای اسناد و مدارک مهاجرتی یا مهاجران فاقد اسناد و مدارک مهاجرتی می‌شود. مهاجران بدون سند، مهاجرانی هستند که به یک کشور وارد می‌شوند یا در آن اقامت می‌کنند، بدون آنکه مدرک قانونی معتبر داشته باشند. این تفکیک به‌نوعی اداری و اجرایی است.

برخی اسناد بین‌المللی از اقسام خاصی از مهاجران تعاریف حقوقی دارند؛ برای مثال در مورد تعریف پناهنده، ماده (2) 1A کنوانسیون وضعیت پناهندگان موسوم به کنوانسیون پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ تصریح می‌کند:

پناهنده فردی است که به دلیل ترس بنیادین از آزار و اذیت، به دلیل نژاد، مذهب، ملیت یا عضویت در یک گروه خاص اجتماعی یا عقیده سیاسی، خارج از کشور محل تابعیت خود است و قادر نیست خود را در حمایت کشور متبوع قرار دهد یا به دلیل چنین ترسی، مایل به این کار نیست.^۱

براساس تعریف کمیساریای عالی امور پناهندگان، «پناهجویان» افرادی هستند که در جست‌وجوی حمایت، از امتداد مرزها عبور می‌کنند؛ اما درخواست پناهندگی آن‌ها هنوز در حال

۱. در ماده اول آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲/۹/۲۵ در مجموعه مقررات ایران مشابه تعریف کنوانسیون یادشده مقرر شده است: «مقصود از پناهنده فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او می‌باشند، به کشور ایران پناهنده شود». در ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران ابلاغی ۱۳۷۹/۱۲/۲۲ تعاریفی مطرح شده است که معنای موردنظر ایران از چند واژه کلیدی در بحث حاضر را نشان می‌دهد: الف - پناهنده: به شخصی اطلاق می‌شود که به علت ترس موجه از اینکه به دلایل مربوط به نژاد یا مذهب، ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد. در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد؛ ب - آواره: فردی است که به دلیل وقوع جنگ داخلی یا بین‌المللی، بدون تشریفات قانونی، کشور متبوع خود را ترک کند یا وادار به ترک آن شود؛ اما نمی‌تواند برابر کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ ژنو و ملحقات آن بیم موجه از اذیت و آزار را به اثبات برساند؛ ج - مهاجر: فردی است که متقاضی اقامت در جمهوری اسلامی ایران باشد و درخواست وی پذیرفته شده باشد (به نقل از سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/121160>). سایت اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور نیز این ضوابط را در بخش قوانین و مقررات خود در دسترس قرار داده است.

بررسی است. براساس اصول راهنمای ملل متحد درخصوص «افراد فاقد مکان داخلی» این افراد عبارت‌اند از: اشخاص یا گروه‌هایی از افراد که مجبور شده‌اند خانه‌ها یا مکان‌های معمول اقامت خود را ترک کنند یا از آن بگریزند، به‌ویژه به دلیل اجتناب از آثار منازعه نظامی، وضعیت‌های خشونت گسترده، نقض حقوق بشر، بلایای طبیعی یا برساخته بشر، و هنوز از مرز شناخته‌شده یک کشور عبور نکرده‌اند. مورد چهارم از تعاریف اسناد حقوقی درباره «افراد بی‌ملیت» است. براساس ماده ۱ کنوانسیون وضعیت افراد بی‌ملیت، فرد بی‌وطن یا بی‌ملیت فردی است که تابعیت هیچ کشوری را براساس قوانین آن کشور ندارد. مورد پنجم، «کارگران مهاجر» هستند که براساس ماده ۲/۱ از کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها به فردی اطلاق می‌شود که در یک فعالیت دارای دستمزد در کشوری که تابعیت آن را ندارد، مشغول به کار است یا قرار است مشغول باشد (UNESCO, 2018, p 9-10).

۲-۱. کودک مهاجر

کنوانسیون حقوق کودک،^۱ کودک را هر فرد زیر ۱۸ سال تعریف کرده است.^۲ همان‌گونه که

۱. کنوانسیون حقوق کودک یکی از ۱۰ کنوانسیون مهم نظام بین‌المللی حقوق بشر است که در سال ۱۹۸۹ در سازمان ملل مطرح، و از سال ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد و امروزه بنابر اعلام بخش مجموعه معاهدات سازمان ملل (UN Treaty Collection)، همه کشورهای جهان به‌جز آمریکا بدان ملحق شده‌اند و خود را متعهد به اجرای آن اعلام داشته‌اند. جمهوری اسلامی ایران در اسفند سال ۱۳۷۲ برابر تصویب مجلس شورای اسلامی، در زمره یکی از کشورهای متعهد به سند با رعایت حق شرط خود درآمده، و تاکنون چند نوبت گزارش عملکرد ملی خود را به مرجع نظارتی این سند بین‌المللی تقدیم کرده است.

۲. نظام حقوقی ایران مانند اکثریت یا شاید کلیه نظام‌های حقوقی جهان، تعریفی از کودک بیان نکرده است و فقط به بیان حد سنی برای برخورداری از وضعیت جدید شرعی و حقوقی پرداخته است که آن هم در موضوعات مختلف رویه یکسانی ندارد و معیارهای سنی متفاوت پذیرفته شده است. در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مقرر شده است که سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. مطابق تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ رشد اقتصادی طفل پس از بلوغ تا سن ۱۸ سالگی نیاز به اثبات در دادگاه دارد که معنایش این است آثار دوره کودکی در امور اقتصادی تا پایان ۱۸ سالگی ادامه دارد؛ بنابراین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی (رشد) دارای دو حکم متفاوت است. در ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، پایان کودکی در دختر و پسر به‌صورت یکسان ۱۵ سالگی تعیین شده است. در قوانین انتخاباتی ایران سن دیگری برای پایان کودکی و امکان حضور در رأی‌دهی تعیین شده است. در قوانین استخدامی مراکز دولتی پایان کودکی و امکان استخدام ۱۸ سال تعیین شده است. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱، هر فرد زیر ۱۸ سال تمام هجری قمری مشمول حمایت‌های قانون مزبور تلقی شده بود. در آخرین قانونگذاری انجام شده در کشورمان با عنوان «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹

تعریف واحدی از مهاجر در حقوق بین‌الملل مطرح نشده است، از کودک مهاجر^۱ نیز تعریف دقیقی موجود نیست. با این حال اشکال مختلف مهاجرت کودک برشمرده شده است؛ از جمله همراه با خانواده، بدون همراه، بی‌قاعده، قاچاق‌شده و پناه‌جو. همه این مصداق‌های هستند که کودکان ممکن است در معرض آزار و اذیت، غفلت، خشونت یا استثمار قرار گیرند. تعریف زیر در برخی متون مرتبط بیان شده است:

کودکانی که به دلایل مختلف، داوطلبانه یا غیرداوطلبانه، درون کشورها یا بین کشورها، همراه با والدین و مراقبان اصلی یا بدون آن‌ها جابه‌جا می‌شوند و جابه‌جایی آن‌ها ممکن است آنان را در معرض استثمار جنسی یا اقتصادی، آزار و اذیت، غفلت و خشونت قرار دهد، کودک مهاجر تلقی می‌شوند (Save the Children, 2012, p 4). کنوانسیون حقوق کودک به‌طور کلی مقررات خاصی درباره حقوق کودکان مهاجر ندارد؛ اما دارای ضوابط عامی است که شامل گروه‌های مختلفی از کودکان است؛ از جمله کودکان پناهنده، کودکان مورد قاچاق واقع شده و کودکانی که از محیط خانوادگی خود محروم شده‌اند. افزون‌براین، نظریه تفسیری شماره ۶ کمیته حقوق کودک^۲ به کودکان بدون همراه و کودکان

تصریح شده است: «طفل هر فردی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد و نوجوان هر فردی زیر ۱۸ سال شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است». شایان ذکر است محروم‌سازی از تحصیل، در این قانون جدید جرم تلقی شده است؛ یعنی همه باید تلاش کنند تا حق مقرر در اصل سی‌ام قانون اساسی در زمینه آموزش تحقق یابد.

1. Migrant Child

۲. کمیته حقوق کودک مرجع نظارتی بین‌المللی کنوانسیون حقوق کودک است. این مرجع همانند دیگر مراجع نظارتی کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر علاوه بر انجام وظایف نظارتی و ارزیابی گزارش‌های ادواری کشورها، در قبال مفاهیم مقرر در کنوانسیون موضوع نظارت خود، آراء تفسیری خاص (در قالب ملاحظات نهایی برگزاری کشورها) یا آراء تفسیری عام و قابل توجه برای همه کشورها و دیگر بازیگران بین‌المللی مطرح می‌کند. این مرجع تا اگوست ۲۰۲۳ بیست و شش نظر تفسیری عام درباره مواد مختلف کنوانسیون حقوق کودک عرضه کرده است که محافل علمی در شرح و تفسیر کنوانسیون، اغلب بدان رجوع می‌کنند. نک:

<https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CRC/Pages/CRCIndex.aspx>

در ایران نظریات تفسیری کمیته یادشده تا شماره ۲۳ (۲۰۱۷) به فارسی ترجمه شده، و در قالب کتاب نشر یافته است (نک: مجبعلی، سرائی، مهیمنی، ۱۳۹۸).

جداشده^۱ خارج از کشور متبوع خود می‌پردازد. در این نظریه تفسیری تصریح شده است که این نظریه درخصوص کودکان بدون همراه و جداشده که خارج از کشور متبوعشان به سر می‌برند، یا اگر فاقد مکان هستند خارج از محل اقامت معمولشان هستند نیز شمولیت دارد و تأکید شده است که این نظریه تفسیری شامل کودکانی نمی‌شود که از مرز بین‌المللی عبور نکرده‌اند. کودکان بدون همراه در این نظریه، کودکانی تعریف شده‌اند که از هر دو والدین یا دیگر اقوام خود جدا شده‌اند و تحت مراقبت بزرگسالی که از حیث قانونی یا عرفی مسئولیت آن‌ها را برعهده دارد، نیستند. کودکان جداشده نیز کودکانی هستند که از هر دو والدین خود یا از مراقبان عرفی یا قانونی اصلی خود و نه لزوماً از دیگر اقوام جدا شده‌اند که البته شامل کودکانی نیز می‌شود که از همراهی سایر اعضای بزرگسال خانواده برخوردارند (CRC/GC/2005/6).

کمیته حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها و کمیته حقوق کودک در نظریه تفسیری مشترکی که در سال ۲۰۱۷ درخصوص اصول کلی حقوق کودکان در شرایط مهاجرت بین‌المللی صادر کرده‌اند، تصریح کرده‌اند که در شرایط مهاجرت بین‌المللی، ممکن است کودکان هم به‌عنوان کودک و هم به‌عنوان کودک متأثر از وضعیت مهاجرت، در وضعیت آسیب‌پذیری مضاعف قرار گیرند، درحالی‌که: الف - خودشان مهاجر هستند، چه به‌تنهایی و چه با خانواده‌هایشان؛ ب - در کشورهای مقصد از والدین مهاجر متولد شده‌اند؛ یا ج - در کشور مبدأ خود باقی مانده‌اند، درحالی‌که یک یا هر دو والدین آن‌ها به کشور دیگری مهاجرت کرده‌اند. آسیب‌پذیری ممکن است به‌دلیل منشأ ملی و قومی یا اجتماعی این کودکان افزایش یابد.^۲ (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 3).

۳-۱. حق بر آموزش

اهمیت حق بر آموزش در منابع مختلف قواعد حقوق بین‌الملل بشر تأکید شده است. در منشور

1. Unaccompanied and Separated Children

۲. نظریه تفسیری یاد شده، درواقع نظر شماره ۲۲ کمیته حقوق کودک بود که با موضوع اصول کلی حقوق کودک در وضعیت مهاجرت بین‌المللی اعلام شد. دیگر نظر تفسیری مشترک کمیته با نهاد اشاره‌شده که درواقع نظر شماره ۲۳ کمیته حقوق کودک بود و در همان سال ۲۰۱۷ مطرح شد، درباره تعهدات دولت‌ها در زمینه حقوق کودک در وضعیت مهاجرت بین‌المللی در کشورهای مبدأ، ترانزیت، مقصد و بازگشت بود. CMW/C/GC/4-CRC/C/GC/23

ملل متحد، سازمان ملل متعهد شده است تا همکاری‌های فرهنگی آموزشی بین‌المللی در جهت روابط صلح‌آمیز و دوستانه بین‌المللی را ترویج دهد. یکی از سازمان‌های تابعه ملل متحد (یونسکو) هم این مهم را به صورت تخصصی پیگیری می‌کند. حق بر آموزش از حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی اجتماعی (ماده ۱۳) است. در این میثاق حق آموزش هر فرد به رسمیت شناخته شده است و دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که آموزش ابتدایی اجباری و رایگان را برای عموم مهیا کنند و آموزش متوسطه به اشکال مختلف از طریق تحقق تدریجی برای همه موجود و در دسترس باشد. در کنوانسیون حقوق کودک مواد ۲۸ و ۲۹ نیز به حق آموزش کودکان اختصاص یافته است. در این کنوانسیون تصریح شده است که کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را در زمینه آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق مبتنی بر ایجاد فرصت‌های برابر، اقدامات مقتضی را معمول خواهند داشت.^۱ تنها پیمان‌نامه بین‌المللی که به طور خاص به دامنه و قلمرو مفهومی آموزش پرداخته است، کنوانسیون منع تبعیض در آموزش مصوب سال ۱۹۶۰ یونسکو است. براساس بند ۲ ماده ۱ این کنوانسیون، واژه آموزش شامل تمام انواع آموزش و سطوح آن شامل دسترسی به آموزش، استاندارد و کیفیت آموزش و شرایط عرضه آموزش می‌شود (UNESCO, 1960, Article 1/2). در مجموع، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای محتوای حق بر آموزش را عبارت دانسته‌اند از: آموزش پایه/ابتدایی بدون هزینه و رایگان، آموزش در مقاطع متوسطه و عالی، دسترسی به نهادهای آموزشی عمومی و برنامه‌های غیرتبعیض‌آمیز، تساوی آموزشی مطابق با اهداف به رسمیت شناخته شده بین‌المللی، تضمین انتخاب والدین در خصوص آموزش فرزندانشان بدون مداخله دولت یا اشخاص ثالث در صورت تطابق با حداقل استانداردهای آموزش (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸).

در خصوص ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، از جمله

۱. برای ملاحظه آثاری درباره ماهیت تعهدات دولت‌ها در زمینه حق کودک بر آموزش نک: انصاری، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳-۲۰۸؛ نیاورانی، ۱۳۸۹.

حق آموزش، به موجب نظریه شماره ۳ کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اولاً تعهداتی دوجبهی است؛ یعنی هم تعهد به وسیله و هم تعهد به نتیجه برعهده دولت‌ها است؛ ثانیاً دولت‌ها تعهد تدریجی به تحقق حقوق مزبور متناسب با استفاده حداکثری از امکانات و منابع موجود را برعهده دارند؛ ثالثاً برخی تعهدات فوری درقبال هر حق نیز محفوظ است که باید بدون هرگونه تأخیر، اجرایی شود (اعلایی، ۱۳۹۵، ص ۷۰-۷۱).

۲. اصول کلی حاکم بر حق بر آموزش کودکان مهاجر

برای تحقق شایسته حق بر آموزش کودکان مهاجر یک سری اصول بنیادی باید رعایت شود. بر این اصول بارها در موازین بین‌المللی و در قالب اسناد متعدد تأکید شده است. سه اصل محوری در این زمینه به شرح زیر اشاره می‌شوند:

۲-۱. برابری

اصول برابری و عدم تبعیض نه تنها از مبانی حقوق بین‌المللی بشر در همه موضوعات به شمار می‌روند (کریون، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷)، بلکه در اسناد بین‌المللی حق بر آموزش نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مبنای تحقق این حق انسانی به شمار می‌روند؛ از جمله ماده ۲/۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲/۱ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱ کنوانسیون منع تمامی اشکال تبعیض نژادی و مواد ۱/۱ و ۳ کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش به این مهم اختصاص یافته‌اند. حق بر آموزش برابر، از اصل کلی برابری حقوقی همه انسان‌ها ناشی می‌شود.^۱ در بسیاری از قوانین اساسی کشورها، افزون بر برابری کلی، بر حق آموزش برابر نیز تأکید شده است. دلیل حمایت هدفمند و رسمی از حق آموزش آن است که نابرابری یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که در حوزه آموزش در کشورهای مختلف بروز می‌یابد. کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت شناخته‌اند و ایجاد فرصت‌های برابر را مبنای دسترسی تدریجی به این حق دانسته‌اند (CRC, 1989, Article 28). در

۱. برای ملاحظه توضیح مفهوم برابری ارزشی و حقوقی در گفتمان معاصر حقوق بشر در سطح بین‌المللی که در برخی فرهنگ‌ها هنوز پذیرفته نشده است، نک: راسخ، ۱۳۸۸، ص ۳۸۶-۳۹۳.

کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها^۱ نیز تصریح شده است که کودک یک کارگر مهاجر باید براساس برابری رفتار با اتباع کشور میزبان به آموزش و پرورش دسترسی داشته باشد و اعضای خانواده‌های کارگران مهاجر از تساوی رفتار با اتباع کشور میزبان درباره دسترسی به مؤسسات و خدمات آموزشی برخوردار شوند (CMW, 1990, Articles 30 & 45). سازوکارهای مختلف نظام بین‌المللی حقوق بشر از جمله کمیته حقوق بشر، کمیته منع تبعیض نژادی، کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و کمیته حقوق کودک بارها تأکید کرده‌اند که عنصر تابعیت نمی‌تواند عامل تبعیض در برخورداری از حقوق از جمله حق بر آموزش باشد (OHCHR, 25). در نظریه تفسیری مشترک کمیته حمایت از حقوق کارگران مهاجر و کمیته حقوق کودک تأکید شده است که تمامی کودکان در شرایط مهاجرت بین‌المللی باید به همه سطوح و ابعاد آموزش براساس برابری با اتباع کشوری که کودکان مهاجر در آن زندگی می‌کنند، دسترسی داشته باشند. این تعهد به معنای آن است که دولت‌ها بدون توجه به وضعیت مهاجرت آن‌ها (با اسناد قانونی یا بدون اسناد) باید دسترسی برابر به آموزش فراگیر و با کیفیت را برای تمامی کودکان مهاجر تضمین کنند (CMW/C/GC/4-CRC/C/GC/23, para 59). درباره کودکان مهاجران نیز قابل ذکر است که به موجب ماده ۸ «اعلامیه راجع به حقوق بشر افرادی که تبعه کشوری که در آن زندگی می‌کنند، نیستند» (۱۹۸۵)، تنها مهاجرانی که به‌طور قانونی در یک کشور بودند، می‌توانستند از برخی حقوق، از جمله حق آموزش برخوردار شوند؛ اما کنوانسیون راجع به کارگران مهاجر و خانواده‌های آن‌ها (۱۹۹۰) تصریح کرد که کودکان کارگران مهاجر واجد حق آموزش هستند، حتی اگر والدین آن‌ها به‌طور غیرقانونی در آن کشور حضور داشته باشند (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳).

اصل برابری رفتار، کشورها را ملزم می‌سازد که هرگونه تبعیض درباره کودکان مهاجر را از بین ببرند و برای غلبه بر موانع آموزشی، مقررات مناسب و حساس نسبت به جنسیت یا هر عامل دیگری که ممکن است تبعیض مضاعف را دامن زند، اتخاذ کنند و در صورت لزوم،

1. International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families

اقدامات هدفمند انجام دهند. توافقات دولت‌ها در اسناد جدید بین‌المللی در خصوص آموزش، فراتر از برابری در آموزش پیش رفته، و مفهوم جدیدی با عنوان «عدالت» مطرح شده است. هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار که سازمان ملل آن را در سال ۲۰۱۵ تصویب کرد، به تضمین آموزش باکیفیت و فراگیر و عادلانه، و پیشبرد فرصت‌های آموزشی مادام‌العمر برای همه اختصاص دارد و خواستار تضمین عدالت و فراگیری جهت تضمین آموزش باکیفیت شده است. در این رویکرد، میان برابری و عدالت تفاوت وجود دارد. برابری به معنای رفتار یکسان با همه دانش‌آموزان است و عدالت به معنای آن است که آنچه دانش‌آموزان برای موفقیت نیاز دارند، در اختیار همه آنان قرار گیرد. اطمینان از دسترسی یکسان دانش‌آموزان به آموزش باکیفیت بسیار مهم است؛ اما برخی از دانش‌آموزان ممکن است به دلیل شرایط خاص، نیاز به حمایت بیشتری داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که قادر به کسب موفقیت هستند. عدالت در آموزش به معنای آن است که تضمین شود شرایط شخصی یا اجتماعی مانند جنسیت، منشأ قومی یا پیشینه اقتصادی مانعی برای دسترسی به آموزش نیست و همه افراد به حداقل سطح پایه مهارت دسترسی پیدا می‌کنند (A/72/496, 2017, para 25). رویکردهای عادلانه باید فراتر از تضمین دسترسی برابر برای همه باشد تا اطمینان حاصل شود که یادگیرندگان با توجه به شرایط فردی خود از پشتیبانی لازم برای کسب موفقیت برخوردارند.

۲-۲. عدم تبعیض

عدم تبعیض، اصلی بنیادین است که تمامی ابعاد آن درباره کودکان در وضعیت مهاجرت بین‌المللی قابل اعمال است (CRC/GC, 2005, p 6). این اصل در مواد ۱ و ۷ کنوانسیون حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها و ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است. کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در نظریه تفسیری شماره ۲۰ خود در خصوص منع تبعیض در حقوق مصرح در این کنوانسیون خاطرنشان می‌سازد که حق تمامی کودکان بر آموزش باید کاملاً مورد حمایت قرار گیرد و تأکید می‌کند که هرگونه تفاوت در رفتار باید مبتنی بر هدف مشروعی باشد که مطابق با ماهیت حقوق مصرح در میثاق

است و تأکید می‌کند که حقوق مصرح در میثاق درباره تمامی افراد بدون در نظر گرفتن وضعیت حقوقی و اسناد و مدارک آنها قابل اعمال است؛ از جمله غیر تابعان یک کشور مانند پناهندگان، پناهجویان، افراد فاقد مکان، کارگران مهاجر و قربانیان قاچاق بین‌المللی (E/C.12/GC/20).

کمیته حقوق کودک نیز در نظریه تفسیری شماره ۶ با عنوان «رفتار با کودکان بدون همراه و جدا شده خارج از کشور موطن اصلی آنها» خاطرنشان می‌سازد که بهره‌مندی از حقوق مصرح در کنوانسیون محدود به شهروندان دول عضو نیست، بلکه شامل همه کودکان از جمله کودکان پناهجو، پناهنده و مهاجر بدون در نظر گرفتن ملیت، وضعیت مهاجرتی یا فاقد مکان بودن آنان می‌شود (CRC/GC/2005/6, 2005, para 12). این کمیته در نظریه تفسیری شماره ۲۲ که به‌طور مشترک با کمیته حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و خانواده آنها با موضوع «اصول کلی در خصوص حقوق بشر کودکان در شرایط مهاجرت بین‌المللی» صادر کرده است، فراتر هم می‌رود و به‌طور خاص بیان می‌دارد که اصل منع تبعیض مصرح در کنوانسیون حقوق کودک دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که حقوق مندرج در کنوانسیون را برای تمامی کودکان رعایت و تضمین کنند؛ اعم از مهاجر در وضعیت باقاعده یا بی‌قاعده، پناهجو، پناهنده، فاقد مکان یا قربانی قاچاق از جمله در وضعیت‌های اخراج یا بازگشت به کشور متبوعشان بدون لحاظ ملیت والدین یا قیم قانونی کودک، وضعیت مهاجرت یا فاقد مکان بودن (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 9). همچنین می‌افزاید، دول عضو باید تضمین کنند که کودکان مهاجر و خانواده‌های آنان در جوامع پذیرنده به‌خوبی جای گرفته‌اند و حقوق بشر آنان در دسترسی به خدمات در شرایط برابر با اتباع کشور مزبور به‌طور مؤثر تحقق یافته است. در این نظریه تفسیری مشترک تصریح شده است: «تمامی کودکانی که درگیر یا تحت تأثیر مهاجرت بین‌المللی‌اند، استحقاق بهره‌مندی از حقوق را دارا هستند، صرف‌نظر از سن، جنسیت، هویت جنسیتی یا گرایش جنسی، منشأ قومی یا ملی، معلولیت، مذهب، وضعیت اقتصادی، وضعیت مهاجرتی/اسنادی، بی‌تابعیتی، نژاد، رنگ، وضعیت خانوادگی یا تأهل، وضعیت سلامت یا دیگر شرایط اجتماعی، فعالیت‌ها، عقاید ابراز شده یا باورهای کودکان، والدین آنها، سرپرستان قانونی یا اعضای خانواده‌شان. در این نظریه تفسیری

توصیه شده است که کشورهای عضو بر سیاست‌ها و مقررات پیشگیری از اعمال تبعیض‌آمیز درباره کودکان مهاجر و پناهنده دارای معلولیت و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های لازم برای تضمین برخورداری کامل کودکان مهاجر و پناهنده دارای معلولیت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به‌طور برابر با کودکانی که تبعه کشورهای هستند، تأکید ویژه کنند و به مفاد مندرج در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت توجه کنند» (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 21). بنا بر نظر کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، اصل آموزش ابتدایی برای همه یکی از مفاد اصلی حق آموزش است (E/C.12, 1999, p 10, para 57). هرگونه رفتار متفاوتی که منجر به انکار یا محدودکردن دیگر جنبه‌های حق آموزش بر این اساس شود، تخلف مقدماتی آن حق محسوب می‌شود؛ مگر اینکه مبتنی بر معیارهای عینی و معقول باشد. در این خصوص، وضعیت مهاجرت کودکان، دارای اسناد یا بدون سند، نباید مستمسک دولت‌ها برای توجیه رفتار متفاوت شود. کمیته منع تبعیض نژادی نیز در توصیه عمومی شماره ۳۰ با عنوان تبعیض علیه غیرشهروندان از دولت‌های عضو خواسته است «تضمین کنند که مؤسسات آموزش عمومی در اختیار غیرشهروندان و فرزندان مهاجران بدون سند که در قلمرو یک دولت عضو ساکن هستند، قرار می‌گیرد و از مدارس مجزا و معیارهای متفاوت رفتاری با غیرشهروندان به‌دلیل نژاد، رنگ، تبار و منشأ ملی یا قومی در دبستان و دبیرستان و دسترسی به آموزش عالی خودداری می‌شود» (CERD, 2005, paras 30-31).

هدف از منع تبعیض، پرداختن به موانع عملی و قانونی است که مانع از دسترسی برخی از دانش‌آموزان به آموزش می‌شود یا در صورت حضور، موفقیت آن‌ها را مخدوش می‌سازد. برای رفع این موانع در هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار^۱ مصوب سازمان ملل، کشورها متعهد به اتخاذ رویکردهای عادلانه و فراگیر شده‌اند. هدف از آموزش فراگیر، اطمینان از آن است که همه یادگیرندگان فارغ از پیشینه زبانی و فرهنگی، توانایی‌های جسمی و روحی یا دیگر ویژگی‌های فردی در محیطی حمایتی همراه یکدیگر می‌آموزند. آموزش فراگیر و شمول‌گرا

محیط یادگیری یکسان را برای دانش‌آموزان با پیشینه‌ها و توانایی‌های متنوع، فراهم می‌کند (A/72/496, 2017, para 19).

۲-۳. منافع عالی کودک

منافع عالی کودک^۱ یکی از ارزش‌های بنیادین حاکم بر کنوانسیون حقوق کودک به شمار می‌رود و هشت‌بار در متن کنوانسیون مذکور ذکر شده است.^۲ در ماده ۳ این کنوانسیون تصریح شده است: «در تمام اقداماتی که مؤسسات رفاه اجتماعی و عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی، یا ارگان‌های حقوقی دربارهٔ کودکان انجام می‌دهند، منافع کودک از اهم ملاحظات است». کمیته حقوق کودک در نظریه تفسیری شماره ۱۴ در تبیین مفهوم منافع عالی کودک تأکید کرده است که منظور از اقدام تنها تصمیم‌گیری نیست، بلکه تمامی فعالیت‌ها، رفتارها، پیشنهادها، خدمات، رویه‌ها و دیگر تدابیر را شامل می‌شود که مستقیم یا غیر مستقیم بر کودکان اثرگذارند و تمامی افراد زیر ۱۸ سال را دربر می‌گیرند. کمیته حقوق کودک، وضعیت آسیب‌پذیری را از جمله عواملی دانسته است که باید در برآورد و تعیین منافع عالی کودک بدان توجه کرد و کودکان پناهنده یا پناه‌جو را در وضعیت آسیب‌پذیری لحاظ کرد. کمیته تأکید کرده است که هدف از تعیین منافع عالی کودک یا کودکان در شرایط آسیب‌پذیری، تنها بهره‌مندی کامل از کلیه حقوق پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون حقوق کودک نیست، بلکه هنجارهای حقوق بشری دربارهٔ شرایط ویژه کودکان را نیز شامل می‌شود، مانند مواردی که در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و کنوانسیون وضعیت پناهندگان تصریح شده است (CRC/C/GC/14, 2013). کمیته در موارد

1. The best interests of the child

۲. در زبان فارسی برخی محققان، منافع عالی کودک را با عنوان «مصلح عالی کودک» مطرح کرده‌اند. در مورد مفهوم این اصل نیز آراء متنوعی وجود دارد؛ چراکه خود کنوانسیون حقوق کودک آن را تعریف نکرده است. یکی از محققان دربارهٔ مفهوم این اصل می‌گوید: «معیارهای رعایت مصلحت کودک در وجدان اخلاق جمعی جامعه است که در تعامل و دادوستد بین‌الذهانی و در نهایت محصول آن در قالب‌های قانونی دستگاه‌های تقنینی کشور در نظام‌های دموکراتیک متجلی شود. درحقیقت قانون در چنان نظام‌هایی حوزه اعمال قیومیت جامعه یا به عبارت دیگر ساحت و حوزه رعایت مصلحت تامه کودکان را نشان می‌دهد. همین قانون به عنوان عامل هنجاری کنترل‌کننده والدین در رعایت مصلحت تامه کودکان نیز ایفای نقش می‌کند». نک: قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۲.

تعارض میان منافع عالی کودک و منافع دیگران تصریح کرده است که حق کودک به اینکه منافع عالی وی از اهم ملاحظات در نظر گرفته شود، بدین مفهوم است که منافع کودک فقط یکی از چند ملاحظه موجود نیست، بلکه دارای اولویت بالایی است؛ بنابراین باید وزن بیشتر به منفعت کودک داده شود. کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ طی اعلامیه نیویورک راجع به پناهندگان و مهاجران^۱ که در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید، مجدداً بر حمایت از حقوق بشر کودکان مهاجر با لحاظ آسیب‌پذیری آن‌ها به‌ویژه کودکان مهاجر بدون همراه و دسترسی به خدمات اولیه بهداشتی و آموزشی و روان‌شناختی تأکید کردند و اطمینان دادند که منافع عالی کودک در همه سیاست‌های مرتبط از اهم ملاحظات است (A/RES/71/1, 2016, para 32). کمیساریای عالی امور پناهندگان نیز از سال ۱۹۹۲ در راهبردی که برای کودکان پناهنده اتخاذ کرده است، منافع عالی کودک را به‌عنوان مهم‌ترین ملاحظات قابل‌اعمال در تمامی اقدامات مرتبط با کودکان به‌عنوان اصل راهنما لحاظ کرده است (E/CN.4/1999/49, 1999).

۳. تعهدات دولت‌ها

دولت‌ها به‌طور کلی در سه حیطه احترام و شناسایی، اجرا و حمایت، موظف به تحقق تعهدات خود در زمینه حق آموزش هستند. تعهد به احترام و شناسایی مستلزم آن است که دول عضو از اقداماتی که مانع از بهره‌مندی از حق بر آموزش می‌شود، ممانعت به عمل آورند و جزئیات حق را در قوانین و مقررات و سیاست‌های خود شناسایی کنند. تعهد به حمایت مستلزم آن است که دول عضو، تدابیری اتخاذ کنند که اشخاص ثالث را از مداخله در بهره‌مندی از حق بر آموزش باز دارند و جلوی هر نقض حق را بگیرند و در صورت نقض، زمینه رسیدگی عادلانه و جبران مؤثر را فراهم سازند، و تعهد به اجرا که شامل فراهم آوردن تسهیلات و عرضه حق بر آموزش می‌شود، مستلزم آن است که دولت‌ها اقدامات مثبتی که افراد جامعه را قادر به بهره‌مندی از حق بر آموزش می‌کند، به عمل آورند (UNESCO, 2019, p 145-146). کشورها باید تضمین کنند که با کودکان در شرایط مهاجرت بین‌المللی در درجه اول و مهم‌تر به‌عنوان

1. New York Declaration for Refugees and Migrants

کودک، رفتار مناسب با رعایت منافع عالی آن‌ها صورت می‌گیرد. دولت‌های عضو کنوانسیون‌ها وظیفه دارند مطابق با تعهدات خود و بدون در نظر گرفتن وضعیت مهاجرت و والدین یا قیم قانونی کودک، به رعایت و حمایت و اجرای حقوق کودکان در شرایط مهاجرت بین‌المللی عمل کنند (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 11).

در نظریه تفسیری مشترک کمیته حمایت از حقوق مهاجران و کمیته حقوق کودک، بر تقدّم حقوق کودک در شرایط مهاجرت بین‌المللی و ضرورت گنجاندن مفاد کنوانسیون‌ها در متن چهارچوب‌ها، خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و دیگر تدابیر ملی درباره مهاجرت توسط دولت‌ها تأکید شده است (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 13). کمیته‌های یادشده، کشورهای عضو را ترغیب می‌کنند تا تضمین کنند که مقامات مسئول حقوق کودکان، در سیاست‌ها و رویه‌ها و تصمیماتی که بر حقوق کودکان در زمینه مهاجرت بین‌المللی تأثیرگذارند، دارای نقش اصلی و قدرت تصمیم‌گیری هستند. همچنین باید نیازهای کودکان در شرایط مهاجرت بین‌المللی در هر مرحله از سیاست‌گذاری و اجرا به‌طور منظم ارزیابی و برطرف شود (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 14). برای تحقق حقوق همه کودکان در وضعیت مهاجرت بین‌المللی، عناصر زیر بخشی از سیاست‌ها و شیوه‌هایی است که باید تدوین و اجرا شود: الف - سیاست‌های جامع و بین‌سازمانی میان مسئولان درباره حمایت از کودکان و مسئولان بهزیستی و دیگر ارگان‌های مهم، از جمله تأمین اجتماعی، بهداشت، آموزش، دادگستری و مهاجرت؛ ب - منابع کافی، از جمله بودجه، با هدف اطمینان از اجرای مؤثر سیاست‌ها و برنامه‌ها؛ ج - آموزش مداوم و دوره‌ای مسئولان در زمینه حمایت از کودک و مهاجرت در خصوص حقوق کودکان، مهاجران و پناهندگان و افراد بی‌تابعیت (CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22, para 18).

به موجب موازین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها همچنین تعهد به همکاری بین‌المللی در قبال حق آموزش دارند. این مهم در بند ۳ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، مواد ۲، ۲۳ و بند ۴ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۰ اعلامیه جهانی آموزش برای همه، مواد ۱۰ تا ۱۴ چهارچوب عمل داکار و سایر اسناد یونسکو و اعلامیه و برنامه عمل

وین ۱۹۹۳ تأکید شده است. طبیعتاً این تعهد در حوزه رعایت حق آموزش کودکان مهاجر به‌طور جدی‌تر باید پیگیری شود؛ چراکه وضعیت آن‌ها به کشورهای مختلف مربوط می‌شود. گزارشگر سازمان ملل در زمینه حق بر آموزش، گزارش‌های سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ خود را به مجمع عمومی ملل متحد، به موضوع حق بر آموزش مهاجران اختصاص داده، و با تأکید بر مؤلفه‌های شناخته‌شده چهارگانه حق بر آموزش، تعهدات دولت‌ها را تحلیل کرده است (A/76/158, 2021, para 36-37).^۱ در ادامه، مروری بر مؤلفه‌های چهارگانه حق بر آموزش مهاجران صورت می‌گیرد:

۳-۱. موجود بودن آموزش

موجود بودن^۲ یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های حق بر آموزش است و بدین معنا است که آموزش باید به‌گونه‌ای باشد که قابلیت دستیابی داشته باشد و دولت‌ها به‌گونه‌ای که برای همگان مهیا باشد، این امکان را فراهم آورند. دولت‌ها وظیفه دارند اطمینان ایجاد کنند که از نظر زیرساخت‌ها و اجزای موردنیاز برای یک نظام آموزشی، تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند و آموزش برای همه را عینیت می‌بخشند. موجود بودن آموزش، مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجه دولت‌ها است. فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم از جمله ساخت و احداث مدارس و مکان‌های آموزشی، پرداخت حقوق و دستمزد معلمان و پرسنل آموزشی، تهیه متون آموزشی و هزینه‌های جانبی از جمله آب آشامیدنی، تسهیلات بهداشتی، برق و وسایل گرمایش و سرمایش و بسیاری امور مرتبط دیگر، متضمن اختصاص بودجه و منابع فراوان است. سرمایه‌گذاری دولت در حوزه آموزش با همیاری والدین از طریق پرداخت هزینه‌های مرتبط با کتب آموزشی، رفت‌وآمد، تغذیه، پوشش دانش‌آموز، وسایل نوشتاری و ورزشی تکمیل می‌شود (E/CN.4/1999/49, para 51-52). در اعلامیه پناهندگان و مهاجران مصوب سال ۲۰۱۶، دولت‌ها متعهد شدند که کودکان مهاجر و پناهنده در همان ماه‌های اول ورود به کشور دیگر، آموزش دریافت دارند و

۱. گزارشگر ویژه حق بر آموزش برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ تأسیس شد. شورای حقوق بشر آخرین بار در سال ۲۰۲۳ آن را تحت قطعنامه ۷/۵۳ تمدید کرد.

جهت تسهیل، این امر در اولویت بودجه قرار گیرد. همچنین آموزش با کیفیت ابتدایی و متوسطه به تمامی کودکان پناهنده داده شود و دولت‌ها آموزش اوایل کودکی و آموزش عالی و آموزش فنی حرفه‌ای را برای کودکان مهاجر و پناهنده حمایت و ترویج کنند (A/RES/71/1, 2016, para 32 & 81). آموزش شامل وجود مؤسسات و برنامه‌های آموزشی کارآمد، باید به میزان کافی در اختیار کودکان مهاجر قرار گیرد و دولت‌ها در مدارس عمومی، مکان‌هایی را برای استقبال از مهاجران، اعم از بین‌المللی یا داخلی ایجاد کنند. سازمان‌ها یا مراکزی که به آموزش کودکان مهاجر اختصاص دارد، باید مجهز به تسهیلات بهداشتی، آب آشامیدنی سالم، آموزگاران متبحر و مواد آموزشی لازم باشند. افزون‌براین، در صورت ورود گسترده مهاجران و حضور آن‌ها در اردوگاه‌های پناهجویان، دولت‌ها با همکاری جامعه بین‌المللی باید مدارس موقت ایجاد کنند (UNESCO, 2018, p 21).

۲-۳. در دسترس بودن آموزش

منظور از مؤلفه در دسترس بودن^۱ آموزش، دسترسی آسان و سهل‌الوصول است؛ به‌نحوی که همگان بتوانند بدون تبعیض یا تحمل سختی و مشقت ناشی از فاصله غیرمعقول محل تحصیل تا محل سکونت خود و بدون تحمل فشارهای اقتصادی گوناگون، از آموزش بهره‌مند شوند. تحقق این مؤلفه مستلزم دسترسی فیزیکی، دسترسی اقتصادی و دسترسی بدون تبعیض است.^۲ آموزش برای مهاجران نیز باید از لحاظ فیزیکی و اقتصادی، بدون تبعیض قابل دسترس باشد. دولت‌ها باید از اقدامات تبعیض‌آمیز در قبال مهاجران خودداری ورزند و دسترسی آن‌ها به مدارس و دانشگاه‌ها را تسهیل کنند؛ به‌ویژه در صورت فقدان اسناد قانونی (مانند اسناد هویتی و آکادمیک) دولت‌ها باید تضمین کنند که مهاجران از جمله کودک مهاجر در محیطی امن به‌صورت حضوری با لحاظ فاصله جغرافیایی معقول یا آموزش از راه دور، دسترسی به آموزش دارد. افزون‌براین مهاجران

1. Accessibility

۲. برخی مطالعات جدید بین‌المللی، آخرین آمارهای برآورد رعایت دسترسی‌پذیری آموزشی را برای همگان از جمله کودکان مهاجر و پناهنده به تفکیک سطوح آموزشی مختلف آورده‌اند. نک: Right to Education Handbook, UNESCO, 2019, p 97-109

باید استطاعت مالی آموزش را نیز داشته باشند؛ بنابراین دولت‌ها متعهد به عرضه آموزش ابتدایی رایگان و در روندی تدریجی آموزش متوسطه و عالی رایگان نیز هستند. حتی در برخی موارد، دولت‌ها باید حمل و نقل رایگان یا کمک‌های مالی نیز جهت بهره‌مندی از حق بر آموزش در اختیار خانواده‌های کم‌بضاعت مهاجر قرار دهند (UNESCO, 2018).

در عمل، گاهی کودکان پناهنده و مهاجر از دسترسی به مدرسه محروم می‌شوند؛ زیرا حق بر آموزش فقط مختص شهروندان یک کشور تلقی می‌شود؛ حال آنکه افزایش ثبت‌نام کودکان مهاجر در مدرسه، یکی از شاخص‌های ارتقاء دسترسی به شمار می‌رود (A/HRC/38/32). در کنوانسیون حمایت از تمامی کارگران مهاجر و خانواده‌های آن‌ها تصریح شده است که دسترسی به مدارس و مؤسسات آموزشی پیش‌دبستانی نباید به دلیل وضعیت بدون مدرک در زمینه اقامت یا اشتغال هر یک از والدین یا به دلیل بی‌مدرک بودن اقامت کودک در کشور محل اشتغال، محدود یا منع شود. کمیته حمایت از حقوق کارگران مهاجر در نظریه تفسیری شماره ۲ (۲۰۱۳) اظهار داشت که مطابق ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر این نظر است که کشورهای عضو باید برای همه، از جمله فرزندان کارگران مهاجر، صرف‌نظر از وضعیت مهاجرت آن‌ها، آموزش ابتدایی رایگان و اجباری داشته باشند. دسترسی به آموزش متوسطه برای فرزندان کارگران مهاجر باید براساس برابری رفتار با اتباع تأمین شود. براین اساس، هر زمان که فرزندان تبعه، به آموزش متوسطه رایگان دسترسی داشته باشند، کشورهای عضو باید صرف‌نظر از وضعیت مهاجرتی، دسترسی مساوی کودکان مهاجر را نیز تضمین کنند (CMW/C/GC/2, 2013).

۳-۳. قابل قبول بودن آموزش

آموزش از لحاظ تخصصی و تجربی باید قابل قبول^۱ باشد؛ یعنی دارای کیفیت مناسب و شایسته و متناسب با نیازهای آموزش‌گیرندگان باشد و دولت‌ها باید به آزادی افراد جهت انتخاب نوع آموزش احترام بگذارند. آموزش برای مهاجران نیز باید پذیرفتنی باشد؛ بدین معنا که از لحاظ

1. Acceptability

شکلی و ماهوی ازجمله برنامه آموزشی و روش‌های تدریس، باید متناسب و با کیفیت مطلوب باشد و ضروری است که دولت‌ها و جامعه بین‌المللی نه تنها دسترسی به آموزش را برای مهاجران تضمین کنند، بلکه کیفیت مطلوب آن را نیز لحاظ کنند؛ به‌ویژه در شرایط اضطراری از قبیل اردوگاه‌های پناهجویان. آموزشی که مهاجران دریافت می‌دارند به هر شکلی که باشد، باید از حداقل استانداردهای آموزشی تعیین‌شده دولت برخوردار باشد. باید آزادی والدین به اینکه بخواهند فرزندانشان مطابق با باورهای مذهبی، معنوی یا فلسفی آنان تحصیل کنند، رعایت شود؛ برای مثال امکان بهره‌مندی از آموزگاران زن برای تدریس سازگار با عقاید فرهنگی و مذهبی جوامع قابل توجه است. مدرسه باید دوستدار کودک باشد و شرایط را برای دریافت آموزش مناسب فراهم کند. باید به فرهنگ و زبان و باورهای مهاجران و پناهندگان احترام گذاشته شود (A/HRC/38/32).

۴-۳. قابل انطباق بودن آموزش

فشارهای متضاد جهانی‌سازی و بومی‌سازی، ضرورت انطباق‌پذیری^۱ را برجسته می‌سازد. اینکه آموزش بتواند پاسخگوی واقعیت پیش‌روی کودکان در جامعه خود و واقعیت‌های جهان در حال تغییر باشد، مسئله قرن اخیر است. باید میان مواجهه کودکان با جامعه محلی و جامعه جهانی و همچنین نیاز آن‌ها به شناخت خود تعادل برقرار شود. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در شرحی بر ماده ۱۳ میثاق در این زمینه تأکید کرده است: «آموزش باید به گونه‌ای منعطف باشد که بتواند با نیازهای در حال تحول جوامع و اجتماعات گوناگون تطبیق یابد و نیازهای فراگیران آموزش را در چهارچوب پیوندهای فرهنگی و اجتماع متنوع پاسخ دهد» (CESCR G.C 13, 1999).

آموزش باید سازگار باشد تا بتواند نیازهای منحصر به فرد مهاجران را برآورده سازد. گاهی ضرورت دارد که دولت‌ها و جامعه بین‌المللی برای کودکان مهاجر ساکن در اردوگاه‌ها، با توجه به ملاحظه یادشده، مدارس موقتی ایجاد کنند. حتی ممکن است لازم باشد دولت‌ها کلاس‌هایی

به زبان مادری کودکان یا کلاس‌های آموزش زبان کشور میزبان برگزار کنند. افزون‌براین، اتخاذ تدابیری برای منع و جلوگیری از هر نوع تفکیک آموزشی ضروری است تا اطمینان حاصل شود که کودکان مهاجر زبان جدید را به‌عنوان ابزاری برای ادغام و همگرایی مؤثر در جامعه میزبان یاد می‌گیرند. دولت‌ها باید آموزش در اوایل کودکی، حمایت روانی - اجتماعی، امکان یادگیری به‌طور رسمی و غیررسمی، آموزش معلمان و کلاس‌های مهارت‌های زندگی را فراهم آورند (CMW and CRC, 2017, para 62-63) و اقدامات مقتضی برای تقویت گفت‌وگوهای فرهنگی بین جوامع مهاجر و میزبان و رفع و جلوگیری از بیگانه‌ستیزی یا هر نوع تبعیض یا عدم تحمل کودکان مهاجر را معمول دارند. افزون‌براین، قراردادن آموزش موضوعات متنوع حقوق بشر از جمله منع تبعیض، توسعه مدارا و صلح، رعایت محیط‌زیست، حقوق مهاجران و حقوق کودکان در برنامه‌های درسی نظام آموزشی، به جلوگیری از بیگانه‌ستیزی یا هر نوع نگرش تبعیض‌آمیز که می‌تواند در درازمدت بر مهاجران تأثیر منفی بگذارد، یاری می‌رساند.^۱

۴. چالش‌های پیش‌رو

به‌رغم اینکه دولت‌ها براساس حقوق بین‌الملل بشر متعهد به تحقق حق بر آموزش کودکان مهاجر هستند، بنابر ارزیابی سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط، موانع اجرایی و عملی متعددی در سطح ملی کشورها فراروی تحقق این حق به چشم می‌خورد. برخی از این عوامل به شرح زیر هستند:

۴-۱. سیاست‌ها و قوانین تبعیض‌آمیز

گرچه در موازین بین‌المللی حقوق بشر همان‌گونه که در مباحث پیشین آمد، تصریح شده است که مهاجران بدون لحاظ وضعیت قانونی یا مهاجرتی آن‌ها^۲ حق دسترسی به آموزش بدون

۱. در برخی مطالعات منتشرشده، رویه‌های خوبی را که در این زمینه در عملکرد کشورهای مناطق مختلف دنیا از حیث توجه به موضوعات متنوع رعایت حقوق انسانی در نظام آموزشی بوده است، گردآوری و معرفی کرده‌اند. نک:

Human Rights Education in the School Systems of Europe, Central Asia and North America: A Compendium of Good Practice, Council of Europe, 2009.

۲. در آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی مصوب سال ۱۳۸۲ هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران ضمن ماده ۱ مقرر شده بود: مدارک معتبر برای ثبت نام اتباع خارجی در مدارس آموزش و پرورش جهت پناهندگان و آوارگان صرفاً شامل موارد زیر

تبعیض را دارا هستند، برخی از دولت‌هایی که حتی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط پیوسته‌اند، بعضاً از قوانین و سیاست‌گذاری‌هایی برخوردارند که در روند اعمال این حق موردانتقاد واقع می‌شوند.^۱ کودکانی که والدین خارجی دارند، به‌ویژه کودکانی که وضعیت قانونی ندارند، ممکن است با روش‌های ثبت‌نام تبعیض‌آمیز مواجه شوند؛ برای مثال گزارش شده است که در فدراسیون روسیه، ثبت‌نام کودکان مهاجر در پایه‌های ابتدایی معمولاً پس از ثبت‌نام کودکان روس صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، فقط در صورت وجود جای خالی امکان ثبت‌نام برای آن‌ها وجود دارد. گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در زمینه حق بر آموزش در گزارش سال ۲۰۲۱ خود مصادیق مهم و مشابه دیگری از کشورهای کره جنوبی، ایتالیا، مجارستان، آلمان، یونان و برخی کشورهای دیگر را برشمرده است (A/76/158, 2021, para 58). برابر برخی مطالعات، در کشورهای متعدد، بعضی از قوانین ملی درباره غیرشهروندان تبعیض‌آمیز است؛ برای مثال حق بر آموزش در مدارس دولتی تنها برای اتباع کشور به رسمیت شناخته شده است و غیرشهروندان از این حق محروم‌اند؛ مانند کشور چین که فقط اتباع چینی از حق بر آموزش در مدارس دولتی برخوردارند. در برخی کشورها حتی میان غیرشهروندان نیز تبعیض اعمال می‌شود؛ مانند کشور مصر که تنها کودکان سودانی و سوریه‌ای به آموزش در مدارس عمومی دسترسی دارند (UNESCO, 2018, p 34-35). در برخی از کشورها علیه گروه

است: الف - کارت هویت اتباع خارجی، ب - دفترچه پناهندگی، ج - برگه تردد خروجی مدت‌دار، د - گذرنامه که دارای پروانه اقامت با اعتبار شش ماهه است. آیین‌نامه مزبور پیرو فرمان مقام رهبری در سال ۱۳۹۵ که هیچ کودک مهاجر مقیم ایران از تحصیل محروم نباشد، در مورخ ۹۵/۲/۱ در هیئت وزیران اصلاح شد تا حتی آن‌ها که وضعیت اقامت قانونی ندارند نیز از امکانات آموزشی کشور بهره‌مند شوند و اکنون بنابه اعلام رسانه‌ای آموزش و پرورش، بیش از ۶۰۰ هزار کودک از این امکان بهره‌مند می‌شوند (آمار به نقل از مسئول کمیته مدارس اتباع خارجی و بین‌المللی شورای عالی آموزش و پرورش، خبرگزاری تسنیم، ۲۹ خرداد ۱۴۰۲).

۱. همین امر موجب می‌شود که معمولاً کمیته‌های نظارتی کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر پس از بررسی گزارش‌های ادواری کشورها تذکراتی را در این زمینه خطاب به دولت مزبور اعلام کنند؛ برای مثال به ملاحظات نهایی ابلاغی کمیته حقوق کودک یا کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی درباره کشور پاکستان یا یونان که جدید ارائه شده است، مراجعه شود:

Committee on the Rights of the Child, Concluding observations on the combined fourth to sixth periodic reports of Greece, 2022, CRC/C/GRC/CO/4-6

خاصی از مهاجران تبعیض اعمال می‌شود؛ برای مثال در بعضی از کشورهای اروپایی کودکان مهاجری که دارای اسناد قانونی نیستند، از حق آموزش در مدارس عمومی بهره‌مند نیستند.^۱

۲-۴. ضرورت ارائه مستندات و مدارک هویتی

همان‌گونه که گزارشگران حق بر آموزش سازمان ملل بارها اظهار داشته‌اند، ضرورت ارائه مدارک ملی از قبیل شناسنامه^۲ یا مدرک اقامت قانونی هنگام درخواست آموزش پناهندگانی که از کشور خود گریخته‌اند و مهاجران بی‌قاعده، اقدامی تبعیض‌آمیز است.^۳ مدارک درخواستی معمولاً شامل شناسنامه یا دیگر اسناد هویتی، تأییدیه اقامت، اسناد واکسیناسیون و مدارک آموزشی می‌شود. گاهی کشور میزبان گواهی‌های آموزشی و امتحانات سال‌های گذشته را برای تعیین سطح و ثبت نام کودک مطالبه می‌کند یا اینکه ممکن است برخی دولت‌ها مدارک و گواهی‌های آموزشی دیگر مناطق را معتبر ندانند. به‌طور مثال در برخی کشورهای حوزه خاورمیانه بسیاری از کودکان مهاجر و پناهنده و پناه‌جو به دلیل فقدان مدارک شناسایی امکان بهره‌مندی از آموزش را از دست می‌دهند. در اسپانیا مهاجران، پناهندگان و افراد فاقد مکان غالباً به دلیل فقدان پاسپورت معتبر یا مدرک هویتی از دسترسی به تسهیلات آموزشی محروم

۱. تاکنون بارها سازمان‌های فعال حقوق بشر در سطح جهانی از کشورهای اروپایی به این خاطر انتقاد کرده‌اند. برای نمونه مواضع مکرر سازمان دیده‌بان حقوق بشر در این خصوص قابل توجه است. یکی از موارد ذی‌ربط به شرح زیر است:

Children Losing Out on education in EU Migration deal, Human Rights Watch, 2018

۲. مدت‌ها این انتقاد به جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شد که کودکان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی که فاقد شناسنامه هستند، از حقوق مختلف از جمله حق آموزش بهره‌مندی مناسبی ندارند. این معضل پس از طی فرایندهای قانونگذاری طولانی در نهایت با تصویب قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی در مهرماه ۱۳۹۸، از حیث حقوقی رفع شد که البته روند و کیفیت اجرای قانون، ارزیابی دقیق‌تری از موضوع را در اختیار قرار می‌دهد. بعضی از گزارش‌های غیررسمی، حکایت از توقف اجرای این قانون و تلاش برای نسخ آن از سوی قوه مقننه می‌کنند.

۳. سازمان ملل مطالعه مفصلی درباره ابعاد حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران در وضعیت بی‌قاعده و بدون مجوز معتبر قانونی انجام داده است که یکی از حقوق بررسی‌شده، حق بر آموزش است و نکته مزبور در آن بارها تأکید شده است. نک:

The Economic, Social and Cultural Rights of Migrants in An Irregular Situation, Office Of The High Commissioner for Human Rights, 2014, p 80-96.

می‌شوند.^۱ در برخی از کشورها حتی زمانی که در قوانین و سیاست‌گذاری‌های ملی حق بر آموزش مهاجران به‌طور جامع به رسمیت شناخته شده است، مهاجران، پناهجویان، پناهندگان و مهاجران فاقد مدرک معتبر، از حقوق خود مطلع نیستند و در عمل، از حق بر آموزش و دسترسی به برنامه‌ها و تسهیلات آموزشی محروم می‌شوند.

۳-۴. هزینه‌های آموزش و چالش‌های عدم دسترسی معقول

فقر مانع مهمی در تحصیل کودکان مهاجر و پناهنده به شمار می‌رود. در برخی کشورها به دلیل محدودیت ثبت‌نام در مدارس دولتی رایگان، کودکان ناگزیر به ثبت‌نام در مدارس خصوصی می‌شوند که مستلزم پرداخت شهریه است. شهریه مدرسه، هزینه‌های رفت‌وآمد و دیگر هزینه‌های جانبی مانع بزرگی برای ادامه تحصیل کودکان مهاجر است. یونیسف در گزارشی، عدم توانایی پرداخت هزینه‌های آموزش و اجبار به کار برای کسب درآمد^۲ را دو دلیل عمده عدم حضور کودکان پناهنده در مدارس به شمار آورده است. عامل سوم نیز هزینه‌های رفت‌وآمد است.^۳ ممکن است مدارس دور از دسترس باشند؛ چون از لحاظ جغرافیایی در مکانی دور واقع شده یا بُعد مسافت، مخاطره‌آمیز باشد؛ برای مثال کودکان پناهنده که در اردوگاه‌ها به سر می‌برند، امکان حضور در مدارس خارج از اردوگاه را ندارند. زنان و دختر بچه‌های مهاجر در دسترسی

۱. نه تنها اسپانیا، بلکه برابر بررسی خود اروپایی‌ها کشورهای دیگری از منطقه مزبور نیز با این‌گونه عملکردهای انتقادی همراه بوده‌اند. نک:

Study on obstacles to effective access of irregular migrants to minimum social rights, Council of Europe Publishing, 2005, p 35-39.

۲. برخی محققان حقوق کودک در ایران نیز اعلام داشته‌اند: موضوع آموزش کودکان پناهنده متأسفانه اغلب تحت‌الشعاع مسایل اساسی پناهندگان قرار می‌گیرد و در نتیجه بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در اردوگاه‌های آوارگان معمولاً به آموزش کودکان اهمیتی داده نمی‌شود و به جهت عدم تسهیلات آموزشی، ناچارند اولین فرصت شغلی را با آغوش باز بپذیرند که همین امر آینده آنان را با خطر مواجه می‌سازد. نک: فیروزی، ۱۳۹۳، ص ۳۳۷.

۳. یونیسف گزارش‌های متعددی درباره چالش‌های فراروی کودکان مهاجر و پناهنده تهیه و منتشر کرده، و فراخوان‌های اقدامی خطاب به دولت‌ها در این زمینه ارائه کرده است. یکی از گزارش‌های این نهاد که داده‌هایی در این زمینه ارائه کرده، عبارت است از:

Education uprooted: for every migrant, refugee and displaced child, Education, UNICEF, 2017

به آموزش با محدودیت بیشتری مواجه‌اند و در بسیاری از موارد، شرایط ویژه کودک مادران در طراحی برنامه‌های آموزشی نادیده گرفته می‌شود (A/76/158, 2021, para 27). احتمال اینکه دختران پناهنده مقطع دبستان را به اتمام برسانند یا به مقطع متوسطه ورود کنند، کمتر از پسران است. در برابر هر ۱۰ پسر پناهنده در مقطع دبستان کمتر از ۸ دختر و در مقطع متوسطه کمتر از ۷ دختر در برابر ۱۰ پسر تحصیل می‌کنند. غالباً دختران مسئولیت نگهداری دیگر فرزندان یا کار خانه را برعهده دارند و بعضاً به دلیل حفظ امنیتشان یا مقابله با فقر وادار به ازدواج می‌شوند (A/73/262).

۴-۴. فقدان آموزگاران باتجربه و متبحر

وجود آموزگاران متبحر و آموزش‌دیده برای افزایش یادگیری دانش‌آموزان و مواجهه با چالش‌های آموزشی پناهندگان بسیار مهم است. در بسیاری از کشورها تعداد آموزگاران متناسب با نیاز آموزشی نیست، معلمان تازه‌استخدام شده و کم‌تجربه هستند و آمادگی تدریس در شرایط دشوار را ندارند. کمبود آموزگار متبحر مانع مهمی فراروی دسترسی به آموزش باکیفیت برای کودکان مهاجر و پناهنده و پناه‌جو است.^۱ در بسیاری از کشورها، مدارس اختصاص یافته به دانش‌آموزان مهاجر و پناهنده بعضاً جزء محروم‌ترین مدارس از حیث بودجه و آموزگاران باتجربه است و آموزگاران این مدارس فاقد توانمندی‌های روان‌شناختی و آموزشی و عملی لازم برای مواجهه با مسائل ناشی از آموزش گروه‌های تعلیم‌گیرنده چندزبانی، چندفرهنگی و چندنژادی هستند (UNESCO, 2018). توانایی آموزگارانی که در اردوگاه‌ها جهت تدریس آموزش می‌بینند یا کسب تجربه می‌کنند نیز پس از بازگشت به کشور خود مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد (A/73/262). مکان‌های فیزیکی محدود و کمبود آموزگار موجب شده است که در برخی از کشورها از مدارس دوشیفته و آموزش‌های رادیویی و مجازی استفاده شود. البته بهره‌مندی از ابزارهای فناوری نو برای آموزش، امر مطلوبی است که به شرط فراهم‌شدن

۱. دولت‌ها موظف‌اند برنامه خاصی برای آموزش کودکان محروم از آموزش رسمی، نظیر آوارگان و پناهندگان تدوین و اجرایی کنند (Tomasevski, Katarina, manual on Rights-based education, UNESCO, 2004, p.8).

زیرساخت‌های لازم و توانایی مناسب آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده جهت بهره‌برداری مناسب از این ظرفیت‌ها می‌تواند مفید و اثرگذار باشد.^۱ تعیین سطح آموزشی در ابتدا و ارزیابی آموزشی پس از ارائه آموزش و پویایی اعمال اصلاحات مستمر برای رسیدن به هدف‌گذاری‌های مناسب، مقوله مهمی است که باید در تدابیر آموزشی ذی‌ربط لحاظ شود که متأسفانه در برخی کشورها رعایت نمی‌شود.

۵-۴. برنامه درسی

به گفته کمیساریای عالی امور پناهندگان، انتخاب یک برنامه درسی مناسب برای دانش‌آموزان پناهنده موضوعی بحث‌برانگیز و دشوار است. نکته مهمی که دارای پیامدهای مفصلی هم از حیث بودجه و هم از حیث برنامه‌ریزی است، این است که کودکان پناهنده باید مطالب آموزشی موطن اصلی خود یا کشور میزبان را بیاموزند. انتخاب برنامه درسی می‌تواند برای دولت میزبان و کشور مبدأ پناهنده، موضوعی کاملاً سیاسی و احساسی تلقی شود که درباره هویت و فرهنگ و ارتباط با کشور مبدأ حساسیت‌هایی ایجاد کند. تصمیم‌گیری در این خصوص از آنجایی که امتحان و دریافت گواهی پایان دوره را نیز شامل می‌شود، هم برای کودکان پناهنده و هم برای ارائه‌دهندگان آموزش پیامدهایی را به همراه دارد. در کشورهای مختلف برای انتخاب برنامه درسی در شرایط پناهندگی معمولاً از دو الگو پیروی می‌کنند: الف - مدل سستی موازی که در آن پناهندگان در مدارس کمیساریای عالی امور پناهندگان یا مدارس جامعه پناهندگان درس می‌خوانند و برنامه درسی کشور مبدأ خود را دریافت می‌کنند؛ ب - مدل جدید که پناهندگان در مدارس ملی کشور میزبان ادغام می‌شوند و برنامه ملی آموزش کشور میزبان را دریافت می‌کنند. در حال حاضر کمیساریای عالی امور پناهندگان از الگوی دوم حمایت می‌کند و منافع پایدار، امنیت دسترسی و عرضه خدمات سیستم ملی را دارای ارجحیت می‌داند؛ از جمله دسترسی به امتحانات و گواهی‌نامه‌های پایان دوره، مطالب آموزشی، تضمین کیفیت آموزش و

۱. سازمان ملل مطالعات متعددی در این حوزه انجام داده، و نتایج آن را به‌عنوان مصوبات اجلاس‌ها یا اسناد راهنما در اختیار کشورها قرار داده است (برای نمونه نک: Anderson, 2010; Guidelines on the development of open educational resources policies, UNESCO, 2019).

خدمات آموزشی مرتبط.^۱ البته کشورهای میزبان مهاجران که به همگرایی کودکان مهاجر با موطن اصلیشان توجه دارند، در چهارچوب تعهد مربوط به انعطاف‌پذیری آموزش و کیفیت قابل قبول، تدابیری را اتخاذ می‌کنند که ارتباط دانش‌آموزان مهاجر با فرهنگ و سنت‌هایشان حفظ شود.^۲

برای کمک به کودکان پناهنده جهت تسهیل جبران سال‌های تحصیلی که از دست داده‌اند، مدل‌های آموزشی انعطاف‌پذیر پیشنهاد شده است؛ مدل‌هایی همچون آموزش پرشتاب که شامل یک برنامه درسی فشرده است که طی آن دانش‌آموزان می‌توانند تنها نیمی از سال‌های مقرر در برنامه معمول آموزشی را بگذرانند؛ درحالی‌که برنامه درسی آن‌ها کامل محسوب می‌شود. در این مدل دانش‌آموزان با گذراندن امتحانات معتبر این امکان را می‌یابند که به سطح بعدی انتقال یابند و در کلاس‌های متناسب سن خویش شرکت کنند یا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را دنبال کنند. مدل پل‌زدن به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مطالبی را که از دست داده‌اند، به صورت فوق‌العاده یاد بگیرند یا دانش و مهارت‌هایی را در اختیارشان قرار می‌دهد که برای انطباق با سیستم جدید ضروری است. اجرای چنین شیوه‌هایی حاکی از خواست کشور میزبان به تضمین دسترسی بهتر به آموزش باکیفیت برای مهاجران و پناهندگان تلقی می‌شود.^۳

۱. علاوه بر نکات یادشده، کمیساریای عالی امور پناهندگان تا سال ۲۰۳۰ راهبردهای خود را مکتوب کرده است که خروجی آن باید هدایت آموزش‌گیرندگان به سوی آینده توسعه یافته و پایدار باشد (نک: Refugee education 2030, A Strategy for refugee inclusion, UNHCR, 2019).

۲. احترام به باورهای این کودکان و خانواده‌های آنان، همچنین عدم تلاش برای محو سنت‌های فرهنگی و قومی کودکان مهاجر تحت آموزش، ازجمله مواردی است که همواره بر رعایت آن در کشور میزبان تأکید می‌شود؛ اگرچه روند کلی آموزش‌ها باید به توسعه و رشد شخصیت آموزش‌پذیر و ارتباط و همگرایی مناسب او با محیط جدید منجر شود (برای ملاحظه ارزیابی کشورهای اروپایی از عملکرد خود، نک: Refugee Education: Integration Models and Practices in OECD Countries, Organization for Economic Co-operation and Development, 2019).

۳. برخی مطالعات علمی، اثر سیاست‌های متفاوت کشورها را بر کودکان مهاجر در این زمینه بررسی و گزارش کرده‌اند (برای نمونه نک: Maurice Crul and others, How the Different Policies and School Systems affect

در شرایط بحران‌های بشردوستانه^۱ که منجر به وضعیت پناهندگی کودکان در کشورهای مجاور می‌شود، بازگشت کودکان مهاجر به موطن اصلی‌شان باید در نظر گرفته شود و در متون و برنامه‌های آموزشی آنان مطالب خاصی در این خصوص درج شود (A/HRC/38/32). زبان آموزش و تدریس نیز گاهی مانع بزرگی برای الحاق دانش‌آموزان مهاجر در نظام آموزشی است. تسلط بر زبان ملی یا محلی برای ادغام کودکان مهاجر و پناهنده در نظام آموزش رسمی ضروری است. کودکان در مقطع دبستان ممکن است با زبان کشور میزبان آشنا نباشند. در برخی از کشورها کودک پناهنده باید وارد مقطع و سطح مناسب گروه سنی‌اش شود، بدون اینکه مهارت زبانی لازم را کسب کرده باشد. چندزبانه بودن مدرسه، خود هزینه‌های جانبی متعددی را ایجاد می‌کند (E/CN.4/1999/49). تفاوت زبان خانه و مدرسه نیز ممکن است بر پیشرفت آموزشی تأثیرگذار باشد. باید توجه داشت که در عین حفظ زبان مادری، زبان کشور میزبان نیز آموزش داده شود.

یافته‌های پژوهش

برابر بررسی انجام شده، به‌خوبی می‌توان ملاحظه کرد که امروزه در موازین بین‌المللی حقوق بشر قواعد دقیقی در حوزه حقوق کودکان به‌طور عام و حقوق کودکان آسیب‌پذیرتر مانند کودکان مهاجر، آواره، پناهجو و بی‌وطن، به‌طور خاص وجود دارد و سازوکارهای بین‌المللی نظارت بر رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر اعم از سازمان‌های بین‌الدولی یا غیردولتی بین‌المللی نیز به‌صورت مستمر وضعیت کشورها و عملکرد آنان را رصد می‌کنند و میزان رعایت یا عدم رعایت قواعد حقوقی ذی‌ربط را در سراسر جهان اعلام می‌دارند. همین روندهای جهانی موجب شده است که در داخل کشورها نیز حساسیت‌ها برای مطالبه رعایت حقوق مزبور

the Inclusion of Syrian Refugees children in Sweden. Germany, Greece, Lebanon and Turkey, Comparative Studies, 7, 2019, No 10 (Open Access).

۱. موضوع ابعاد حمایت از حق آموزش در شرایط بحران‌های بشردوستانه علاوه بر نظام بین‌المللی حقوق بشر در نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه هم مطرح، و قواعد مشخصی در این زمینه ارائه شده است که جداگانه برابر موازین حقوقی مزبور نیز قابل بررسی است.

گسترش پیدا کند و خود دولت‌ها پیشقدم شوند تا تعهدات بین‌المللی خود را در نظام حقوق داخلی وارد سازند و به‌درستی اجرایی کنند. همچنین نهادهای مدنی و فعالان اجتماعی نیز جهت اجرای موازین حقوقی اشاره‌شده، انواع فعالیت‌ها و تلاش‌ها را به عمل می‌آورند. یکی از حق‌های مورد تأکید برای عموم کودکان به‌ویژه کودکان آسیب‌پذیرتر یا در معرض خطرهای بیشتر، حق بر آموزش و رشد فکری و فرهنگی و تربیتی است. تعهدات مربوط به رعایت این حق در نظام بین‌المللی حقوق بشر امروزه در پرتو پروتکل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (لازم‌الاجرا در ۲۰۱۳)^۱ و رویه‌های قضایی گوناگون، قابلیت دادخواهی از سوی ذی‌نفعان را نیز پیدا کرده است. با لحاظ نکات یادشده، می‌توان برخی از نتایج به دست آمده مطالعه حاضر را به شرح زیر یادآور شد:

۱. با توجه به تعاریف خاصی که در موازین بین‌المللی حقوق بشر درباره کودک مهاجر، پناهجو، پناهنده و فاقد ملیت بیان شده است، ضروری است که دولت‌ها در هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه اجرایی و حمایتی داخلی درباره کودکان آسیب‌پذیر یادشده به دامنه نظری و مفهومی هر مورد توجه کنند تا از هرگونه تعارض احتمالی تدابیر ملی با تعهدات بین‌المللی خود پیشاپیش جلوگیری کنند. همچنین لازم است منابع قاعده‌گذاری‌های بین‌المللی ذی‌ربط را که در مقایسه با مقررات داخلی هر کشور، در حکم مقررات بین‌المللی محسوب می‌شوند، با دقت بشناسند و بدانند که کدام منابع، کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا هستند که احکام حقوقی الزامی را منعکس می‌کنند و هر دولتی که بدان‌ها ملحق شده باشد، باید دقیقاً به تعهدات مندرج در آن‌ها عمل کند (مانند کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع تبعیض در آموزش، کنوانسیون وضعیت پناهندگی و پروتکل الحاقی آن، کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان، کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی یا میثاق

۱. برای ملاحظه متن پروتکل و وضعیت الحاق دولت‌ها بدان نک:

<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/optional-protocol-international-covenant-economic-social-and>.

بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی^۱) و کدام منابع اسناد نرم حقوقی یا اسناد توصیه‌ای حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شوند (مانند قطعنامه‌های مجامع بین‌المللی مختلف با اسناد پایانی کنفرانس‌های بین‌المللی یا تفاسیر و شرح و تفسیرهای مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی). شناخت‌های علمی ذی‌ربط علاوه بر اینکه از تعارضات بین عملکردهای ملی و تعهدات بین‌المللی کشورها جلوگیری می‌کند، این امکان را نیز فراهم می‌سازد تا کشورها تلاش‌های ملی خود را با ادبیات مشترک حقوقی بین‌المللی ذی‌ربط تدوین و به جهانیان معرفی کنند و بدین وسیله دیگران ضمن اطلاع از فعالیت‌های خوب یک جامعه، از تجربیات مثبت ذی‌ربط بهره‌برداری به عمل آورند یا به تعهدات خود در جهت توسعه همکاری‌های بین‌المللی عمل کنند.

۲. برابر موازین بین‌المللی حقوق بشر کشورهای مختلف در قبال حق بر آموزش کودکان مهاجر و پناه‌جو و فاقد ملیت و آواره باید اصول برابری و منع تبعیض و منافع عالی کودکان ذی‌ربط را رعایت کنند و در جزئیات چگونگی اجرای تعهدات خود برای تحقق حق بر آموزش همه کودکان از جمله موجود بودن آموزش، دسترسی مناسب به آموزش، قابل قبول بودن آموزش و پویا و انطباق پذیر بودن آموزش، تدابیر خاصی متناسب با وضعیت کودکان گروه مورد بررسی اتخاذ کنند. تدابیر مزبور باید به گونه‌ای باشد که از جداسازی این کودکان و انزوای آنان از جامعه‌ای که اکنون میزبان آن‌ها است، جلوگیری کند و زمینه‌ای فراهم آورد تا آنان بتوانند با جامعه و مردم پیرامون خویش همگرایی لازم را پیدا کنند و ضمن حفظ ریشه‌های هویتی خود پیوندهای لازم را با دیگران پیدا کنند.

۳. در روند رعایت الزامات حق بر آموزش کودکان مهاجر، پناه‌جو، پناهنده و فاقد ملیت باید توجه شود که ممکن است میان آن‌ها برخی کودکان آسیب‌پذیرتر باشند که همین امر لزوم اتخاذ تدابیر حمایتی ویژه آن‌ها را اولویت می‌بخشد؛ مانند کودکان مهاجر دارای

۱. جمهوری اسلامی ایران به همه کنوانسیون‌های یادشده به‌جز «کنوانسیون حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان» ملحق شده است و با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران مفاد همه این عهود بین‌المللی در حکم قانون داخلی محسوب می‌شوند که طبیعتاً در مراجع قانونی مختلف از جمله محاکم قضایی ایران نیز قابل استناد هستند.

معلولیت یا متعلق به خانواده‌های فقیر یا دورافتاده از والدین یا دختر بچه‌ها یا کودکانی که زبان کشور محل اقامت کنونی را نمی‌دانند و نیاز به زبان‌آموزی اولیه دارند.

۴. طیف مسائلی که فراروی حق بر آموزش کودکان بررسی می‌شود، در اقصی نقاط جهان متفاوت است. همچنین تجربیات مثبت جاری در کشورهای مختلف نیز گوناگون است. آنچه از مجموع نقاط ضعف و قوت موجود در سطح جهانی می‌توان استنباط کرد این است که کمتر کشوری می‌تواند ادعا کند که توانسته است همه الزامات حقوقی بین‌المللی ذی‌ربط را رعایت کند. امروزه شاهد هستیم که حتی توسعه‌یافته‌ترین کشورها نیز با مسائلی جدی در این زمینه مواجه هستند. این واقعیت ایجاب می‌کند که همکاری بین‌المللی برای ارتقای وضعیت کودکان مهاجر و پناهجو و فاقد مکان جدی‌تر گرفته شود. چگونه می‌توان از کشورهایی که با مشکلات اقتصادی مختلف مواجه هستند و نمی‌توانند حتی درباره شهروندان خود آموزش مناسب را تدارک ببینند، انتظار داشت که برای مهمانان غیر تبعه نیز به حداکثر الزامات حقوقی بین‌المللی عمل کنند. در این زمینه کشورهای توسعه‌یافته‌تر باید به تعهدات انسانی خود در قالب همکاری‌های بین‌المللی عمل کرده و با اختصاص منابع لازم، همیاری مناسبی داشته باشند. همچنین کشورهایی که درگیر ناامنی و عدم ثبات هستند، طبیعتاً نمی‌توانند به الزامات حقوقی درباره همه کودکان مقیم کشور خود عمل کنند و منشأ مهاجرت‌ها و آوارگی‌های گسترده می‌شوند. در این زمینه نیز وظیفه جامعه بین‌المللی است که کمک کند تا سریع‌تر زمینه منازعات و بی‌ثباتی‌ها در کشورهای مزبور رفع شود؛ برای مثال وقتی جامعه بین‌المللی در زمینه انواع بحران‌ها در فلسطین، سوریه، افغانستان، لیبی، یمن، اوکراین و کشورهای مشابه دیگر، اقدام مسئولانه لازم را معمول ندارد، طبیعتاً حقوق همه کودکان در کشورهای مزبور نقض می‌شود و هزاران کودک با تحمل سختی‌های بسیار روانه دیگر مناطق مجاور یا دوردست می‌شوند. آمارهای اعلامی سازمان ملل در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۳ روز جهانی آوارگان و پناهندگان، زنگ هشدار مهمی برای

جامعه بشری است^۱ که اگر با همکاری‌های بین‌المللی راهکاری برای آن اتخاذ نشود و منشأ آوارگی‌ها و پناهجویی‌ها رفع نشود، شاهد افزایش مشکلات خواهیم بود. جامعه بین‌المللی باید تلاش کند تا با رفع منازعات و بی‌ثباتی‌ها، زمینه بازگشت آوارگان به کشورهایشان فراهم شود و مردم هر کشوری با مشارکت ملی زمینه توسعه جامعه خود را در زمینه آموزش و پرورش و دیگر مسائل فراهم سازند.

۵. با توجه به اینکه بعضاً در کشورهای مختلف جریان‌های ملی‌گرا یا راست‌گرای افراطی رویکردهای منفی به مهاجران را دامن می‌زنند و این روندها ممکن است زمینه نقض حقوق کودکان مهاجر را نیز شامل شود، دولت‌ها موظف‌اند اولاً در زمینه مدیریت گرایش‌های افراطی مزبور اقدامات فرهنگی لازم را معمول دارند، ثانیاً همواره به نحو شایسته جنبه‌های حقوقی و انسانی عملکرد خود را درباره مهاجران به‌ویژه کودکان مهاجر توضیح و اطلاع‌رسانی کنند تا افکار عمومی همراهی لازم را برای تقویت فعالیت‌های انسانی به عمل آورد و در این مسیر مشارکت‌های مردمی مناسبی صورت گیرد. امروزه تجربه فعالیت ده‌ها سازمان غیردولتی^۲ برای حمایت از آموزش کودکان مهاجر، مشارکت داوطلبانه آموزگاران علاقه‌مند به آموزش کودکان مزبور، اهدای زیرساخت‌های موردنیاز برای تقویت آموزش این گروه از کودکان، مشارکت داوطلبانه نیروهای فرهنگی و هنری و ادبی مختلف برای عرضه برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای روحیه و شادابی کودکان مهاجر از جمله تجربیات موفق مشارکت مردمی است که در کشورهای مختلف از جمله ایران مشاهده می‌شود.

۱. برابر اعلام سازمان ملل، آخرین آمارهای گردآوری شده نشان می‌دهد که قریب به ۱۱۰ میلیون نفر در سراسر جهان آواره یا پناه‌جو یا فاقد مکان هستند و از خانه و کاشانه خود بدور افتاده‌اند. جمعیت گسترده‌ای از این تعداد افراد را کودکان تشکیل می‌دهند. داده‌های سازمان ملل در منابع زیر اعلام شده است:

UNHCR, MID-YEAR TRENDS, 2023 / -<https://www.unicef.org/press-releases>

<https://www.unrefugees.org/news/five-takeaways-from-unhcrs-2023-education-report/>

۲. برای ملاحظه نمونه‌ای از فعالیت شبکه غیردولتی جهانی که ۳۲ میلیون معلم از ۱۷۸ کشور را نمایندگی می‌کند، تجربه

نهاد آموزش بین‌الملل را ببینید: <https://www.ei-ie.org/en>

۶. جمهوری اسلامی ایران از یک سو به اکثر موازین بین‌المللی مختلف مورد بحث در این مطالعه ملحق شده است؛ از سوی دیگر، در روند عملکردی خود میلیون‌ها کودک مهاجر را طی ۴ دهه گذشته میزبانی کرده^۱ و در روند عرضه خدمات به آن‌ها در شرایطی که خود درگیر مسائل متنوع از جمله جنگ تحمیلی یا فرایند سازندگی پس از جنگ و بحران‌های اقتصادی مختلف و تحمل تحریم‌های ظالمانه برخلاف حقوق بین‌الملل بوده است، تلاش کرده است تا با نگرشی دینی و انسانی مقررات و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی خود را در حوزه آموزش کودکان مهاجر ارتقا ببخشد؛ اما همچنان نمی‌توان ادعا کرد که با مسائل متنوع روبه‌رو نیست^۲. همین واقعیت ایجاب می‌کند که تلاش‌های مختلف حاکمیتی و غیردولتی برای بهبود وضعیت و تعامل مؤثر برای تبادل تجربیات موفق متقابل با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط صورت گیرد. قانونگذاری صورت گرفته در ایران در سال ۱۳۹۹ با عنوان «قانون حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان» بسیار قابل توجه است؛ چراکه بدون تفاوت‌گذاری بین کودک تبعه ایران و دیگر کودکان مقیم کشور هرگونه

۱. برابر برآورد سازمان بین‌المللی مهاجرت، در سال ۱۴۰۲ شمسی حدود ۴ میلیون و پانصد هزار افغانی در ایران بهسر برده‌اند. این در حالی است که برابر آمار نهادهای رسمی ایران این عدد به بیش از ۵ میلیون می‌رسد و کودکان، تعداد قابل توجهی را دربر می‌گیرند که البته آمار دقیق تعداد افراد رسیده به سن تحصیل به راحتی قابل دستیابی نیست.
۲. مسئول کمیته مدارس اتباع خارجی و بین‌المللی شورای عالی آموزش و پرورش در خرداد ۱۴۰۲ اعلام کرد: «در حوزه چالش‌های تحصیلی کودکان شاهد نبود وحدت رویه، تراکم زیاد در حاشیه شهرهای بزرگ، کمبود فضای آموزشی به‌ویژه در دوره ابتدایی، ناتوانی مالی خانواده‌ها برای تأمین هزینه‌ها و ضرورت اشتغال به کار کودکان برای تأمین نیاز خانواده، وجود دانش‌آموزان اتباع از فرهنگ‌های مختلف و زمینه بروز چالش‌های چندفرهنگی و وضعیت بهداشتی نامناسب اکثر دانش‌آموزان اتباع در مدارس هستیم. همچنین کمبود فضای آموزشی به‌ویژه در شهرهای بزرگ مانند تهران و مشهد و جذب دانش‌آموزان در شرایط نامناسب، افزایش تراکم کلاس‌های درس و پذیرش دانش‌آموزان در نوبت دوم مدارس، کمبود معلم به‌ویژه در دوره ابتدایی از مهم‌ترین مشکلات درون مدارس است». وی با تأکید بر اینکه عدم وجود آمار شفاف و دقیق از اتباع در سن تحصیل، قبل از شروع سال تحصیلی یکی از مشکلات جدی است، متذکر شد: فرایند طولانی برای ثبت اطلاعات افراد فاقد مدارک هویتی در یک دوره زمانی خاص توسط دفاتر کفالت و محدود بودن فرصت ثبت نام و مراجعه دانش‌آموزان و بالتبع جاماندن از تحصیل از سایر مسائل برای ثبت نام در مدارس است. به علاوه هم‌اکنون محتوای آموزشی مناسب برای همزیستی کودکان ایرانی و اتباع کنار هم وجود ندارد (تسنیم، ۲۹ خرداد ۱۴۰۲).

صدمه‌زنی به افراد زیر ۱۸ سال از جمله محروم‌سازی از آموزش، جرم عمومی تلقی می‌شود که حتی بدون شکایت شاکی خصوصی قابل‌پیگرد قضایی است و با رضایت شاکی خصوصی نیز روند اجرای عدالت متوقف نمی‌شود. توجه به دیگر حقوق کودک مندرج در قانون یادشده طبیعتاً تضمین خوبی است برای اینکه حق بر آموزش نیز بهتر صیانت شود.

۷. با توجه به اینکه از ایران نیز افرادی به علل و انگیزه‌های مختلف روانه خارج می‌شوند که بعضاً تعدادی از این افراد در اردوگاه‌های مهاجران و پناهجویان کشورهای مختلف از جمله یونان، ترکیه، انگلیس، استرالیا در شرایط نامناسب به سر می‌برند و طبیعتاً کودکان آن‌ها نیز در وضعیت وخیمی هستند، جا دارد حمایت‌های لازم از آن‌ها نیز به عمل آید و دولت‌های میزبان این کودکان توجه کنند که الزام دارند تعهدات بین‌المللی ناظر به حق آموزش کودکان و دیگر حقوق آن‌ها را رعایت کنند. تدوین سند راهبردی ملی برای ارتقای حقوق کودکان مهاجر از جمله حق بر آموزش، کمک می‌کند تا مراجع کشورمان به تمامی دغدغه‌های یادشده به‌طور مؤثرتری پاسخ دهند.

منابع

- اعلایی، مصطفی (۱۳۹۵). ماهیت تعهدات تابعان حقوق بین‌الملل نسبت به حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۲ (شماره ۴).
- انصاری، باقر (۱۳۹۳). حق آموزش. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- انصاری، باقر (۱۳۹۵). اسناد بین‌المللی حقوق بشر. تهران: نشر خرسندی.
- تسنیم، ۲۹ خرداد ۱۴۰۲
- راسخ، محمد (۱۳۸۸). نظریه حق در کتاب حقوق بشر در جهان معاصر: دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی. کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران. قم: نشر آیین احمد.
- صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۳). خانواده در اسناد بین‌المللی: حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- فیروزی، مهدی (۱۳۹۳). حمایت از کودکان پناهنده. مجموعه مقالات حقوق کودک (مطالعه تطبیقی در اسلام و اسناد بین‌المللی). قم: نشر دانشگاه مفید و یونیسف.

- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: نشر شهر دانش.
- کریون، متیو. سی. آر (۱۳۸۷). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (م. حبیبی مجنده، مترجم). قم: نشر دانشگاه مفید.
- مجبعلی، امیر حسین؛ سرائی، زهره؛ مهیمنی، مریم (۱۳۹۸). تفسیر حقوق کودک در آئینه نظریه‌های کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد. تهران: نشر شهر دانش.
- نظری تاج‌آبادی، حمید (۱۳۶۹). بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نیاورانی، صابر (۱۳۸۹). منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳ (۱۴۴)، ص ۱۷۶-۲۰۱.
- Anderson, J. (2010). ICT Transformative Education, UNESCO.
- Boly Barry, K. (2021). A/76/158, The right to education of migrants, Report of the Special Rapporteur on the right to education.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights (1999). General Comment No.13, The right to education, E/C.12/1999/10.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights (2009). General Comment N0. 20, Non-discrimination in Economic, Social and Cultural Rights, E/C.12/GC/20.
- Committee on the Elimination of Racial Discrimination. (2005). General Recommendation No.30 on Discrimination Against Non-citizens.
- Committee on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their Families (2013). General Comment No. 2 on the Rights of Migrant Workers in An Irregular Situation and Members of Their Families, CMW/C/GC/2.
- Committee on the Rights of the Child. (2005). General Comment No 6, Treatment of Unaccompanied and Separated Children from Their Country of origin, CRC/GC/2005/6.
- Committee on the Rights of the Child. (2013). General comment No.14 on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration CRC/C/GC/14.
- Committee on the Rights of the Child, (2022). Concluding observations on the combined fourth to sixth periodic reports of Greece, CRC/C/GRC/CO/4-6.
- Council of Europe (2009). Human Rights Education in the School Systems of Europe, Central Asia and North America: A Compendium of Good Practice.
- Council of Europe Publishing (2005). Study on obstacles to effective access of irregular migrants to minimum social rights.
- Human Rights Watch (2018). Children Losing Out on Education in EU Migration.

- Joint General Comment No.3 of the Committee on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families and No.22 of the Committee on the Rights of the Child on the General Principles Regarding the Human Rights of Children in the Context of International Migration (2017). CMW/C/GC/3-CRC/C/GC/22.
- Joint General Comment No.4 of the Committee on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families and No.23 of the Committee on the Rights of the Child on State Obligations Regarding the Human Rights of Children in the Context of International Migration in Countries of Origin, Transit, Destination and Return (2017). CMW/C/GC/4-CRC/C/GC/23.
- Office Of The High Commissioner for Human Rights. (2014). The Economic, Social and Cultural Rights of Migrants in An Irregular Situation.
- Organization for Economic Co-operation and Development (2019). Refugee Education: Integration Models and Practices in OECD Countries.
- Preliminary Report of the Special Rapporteur on the Right to Education. (1999). E/CN.4/1999/49.-Report of the Special Rapporteur on the Right to Education. (2017). A/72/496.
- Report of the Special Rapporteur on the Right to Education (2018). A/73/262.
- Save the children (2012). Transnational Coordination Mechanisms for the Protection of Children on the Move in the Context of International Migration and the Fulfilment of their Human Rights. www.savethechildren.net.
- Tomasevski, K. (2004). Manual on Rights-based Education, UNESCO.
- UNESCO (1960). Convention against Discrimination in Education.
- UNESCO (2018). The status of the right to education of migrants: International legal framework, remaining barriers at national level and good examples of states' implementation ED/GEMR/MRT/2018/P1/8.
- UNESCO (2019). Guidelines on the development of open educational resources policies.
- UNESCO (2019). Migration and education, Think piece prepared for the 2019 Global Education Monitoring Report Consultation, ED/GEMR/MRT/2019/T1/3.
- UNESCO (2019). Migration, Displacement and Education: Building Bridges Not Walls, Global Education Monitoring Report.
- UN General Assembly (1965). International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, General Assembly Resolution 2106 (XX).
- UN General Assembly (1966). International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, General Assembly Resolution 2200A (XXI).
- UN General Assembly (1989). Convention on the Rights of the Child, General Assembly Resolution 44/25.

UN General Assembly Resolution. (1990). International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families, 45/158.

UN General Assembly Resolution (2016). New York Declaration for Refugees and Migrants, A/RES/71/1.

UNHCR (2014). Left behind: refugee education in crisis.

UNHCR (2018). Figures at a Glance. www.unhcr.org/figures-at-a-glance.html.

UNHCR (2019). Refugee education 2030, A Strategy for refugee inclusion.

UNHCR (2023). Education Report 2023 – Unlocking Potential: The Right to Education and Opportunity.

UNICEF (2017). Education Uprooted: for every migrant, refugee and displaced child, Education.

<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/optional-protocol-international-covenant-economic-social-and>.